



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز یکشنبه (۹) دیماه ۱۳۵۲

فهرست مطالب :

کمیسیون بودجه راجع به بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور .

۳- تعیین موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه .

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل .

۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری

مجلس ساعت نه صبح برباست آقای عبداللہ ریاضی تشکیل گردید

۱ - قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود .

(بشرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

احتشامی - مهندس اسدی لنگرودی - اسعد رزم آرا -

اولیاء شیرازی - دکتر بازرگانی - دکتر بیت منصور -

پدرامی - مهندس پروشانی - جعفری - چنگیزی - حق شناس -

امیر علم خزیمه - ذوالفقاری - زرین پور - دکتر عظیمی -

فرنود - موقر - خانم اقبال - خانم ابراهیمی - خانم دکتر

سرخوش - خانم طالقانی .

غائب بی اجازه :

آقای شیخ بهائی

غائبین مریض - آقایان :

امیر احمدی - مهندس احتشام شهیدی - ایمان

زهرائی - توسلی - جوانشیر - دکتر حاتم - اسمعیل خزیمه -

حسام رضوی - دکتر رفیعی - ریگی - مهندس عباس

زاهدی - ساگینیان - سعیدوزیری - دکتر شریف امامی -

ظفر - مهندس عطائی - فروتن - کمالوند - دکتر مشایخی -
 دکتر موثقی - مهرزاد - دکتر نصیری - خانم دولتشاهی -
 خانم اسدی - خانم ضرابی - خانم مزارعی .

۲- ادامه مذاکره در گزارش يك شوری کمیسیون بودجه راجع به بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور

رئیس - وارد دستور مشیوم کلیات لایحه بودجه اصلاحی سال ۵۲ و بودجه کل کشور سال ۵۳ مطرح است آقای حکمت یزدی بفرمائید .

حکمت یزدی - رب اشرف لی صدری و یسرلی امری و احلل عقده من لسانی یفقهوا قولی .

الهی سینه ای ده آتش افروز

در آن سینه دلی وان دل همه سوز

الهی سینه ای درد آشنا ده

هر آن غم را که بستانی بما ده

فرست رامنتنم می شمارم و بعلت اینکه این لایحه

عظیم بودجه مطرح است سپاس بیکران ملت ایران

را به پاس رهبری بزرگ شاهنشاه عزیز به پیشگاه

بزرگوارشان عرض میکنم و جز این نمیتوانم گفت که هم

دعا از تواجبات هم ز تو بنده کوشش میکنم تا آنجائیکه میتوانم مطلب را کوتاه کنم اما قبل از شروع بسخن دوست ارجمند بنده جناب دکتر متین که بسیار متین سخن گفتند اشاراتی داشتند در پاسخ لیدر محترم فراكسیون حزب مردم جناب رامبد من شخصاً سلیقه ندارم نماینده پاسخ نماینده را بدهد و شما وقتی نگاه کنید نظامنامه مجلس شورای ملی را عنوان مخالف و موافق دارد یعنی مخالف جهات ضعف و انتقادی را بیان کند و موافق جهات قوت و نقاط قوت و آنچه را که در متن لایحه آورده شده بعنوان نمودار يك کار بیان کند اگر قرار بر این شد که بنده سخنی بگویم شما هم در پاسخ من مطالبی بفرمائید تمام مطلب دور میزند بین مطالبی که ما بین دو نفر رد و بدل میشود و باز میمانیم از آنچه ضعف هست باز گوشه دولی چکنم سنت را ایشان گذاشتند بنده مجبورم با اینکه جناب رامبد مصر بودند که پاسخ داده نشود بنده از لحاظ ایفاء وظیفه خودم در بعضی مطالب اشاره میکنم.

رئیس - برای اینکه این سد را بشکنیم شما شروع

بفرمائید.

حکمت یزدی - بنده با کمال میل امر جناب

رئیس را اطاعت میکنم و میگذارم میگذرم (دکتر الموتی) وکیل برای وکیل تکلیف نمیتواند تعیین بکند و کیلی بمطالبی که گفته شده میخواهد پاسخ بگوید مجلس شورای ملی را چرا میخواهید محدود کنید بنده عرضی نکردم تعیین وظیفه برای وکیل نکردم، عرض کردم نظرم را قانون اساسی تعیین تکلیف میکند بنده این مطلب را باز تکرار میکنم بحث اینکه این لایحه را که خوانده و که نخوانده، برنامه را که خوانده و که نخوانده امری است که میگذاریم بوجدان خود طرف نمیتوانم سوگند بخورم فلان شخص این جزوات و این لایحه را خوانده یا نخوانده بنده شاهد عینی نبودم نه میتوانم نفی بکنم نه میتوانم تصدیق بکنم اما بعضی مواقع يك عبارتی ذکر میشود که فکر میکنم توجه کافی بمتن مطلب نشده يك مطلبی که جناب دکتر مجیدی بنظر بنده کوتاهی شده این بود که محال است که لایحه ای بیاید بمجلس و نخوانم و آنچه بنظر رسید خدا گواه است

وضع مارا روشن کرده) احسن پس استند عامیکنم در برنامه خود دور مارا خط بکشید مجلسین وظیفه اش را قانون اساسی تعیین کرده و خوشبختانه این مجلس در زمان انقلاب آنچه را که وظیفه خود است انجام داده و میدهد (احسن).

بنده می توانم مدعی شوم که روح قانون اساسی این است که در این زمان تجلی میکند دیگر برای این مجلس تعیین تکلیف نفرمائید ضمن برنامه دیگر يك بودجه ای که بخاطر ملت در این خانه ملت خرج میشود برخ نکشید جناب رامبد در ضمن منابع درآمد دولت بحثی فرمودند و مستقصی بقول معروف سخن گفتند و سهم ناچیزی از آن بمن رسید یکی از جاهائیکه منبع درآمدمان ذکر شده شرکتهای دولتی است رقم بودجه خودتان را نگاه کنید رقم بودجه شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته را هم نگاه کنید مؤسسات انتفاعی وابسته شما ۲/۵۸۴ میلیارد ریال است و بودجه شما ۸۰۷/۳ میلیارد (صدری کیوان - آن ۵۸۴ ارقام مضاعفی هستند که يك مقدار باید کسر شوند که دو بیست و خرده ای است) شما جمعی را که در کمیسیون نشان دادید در کمیسیون بودجه سرمایه شرکت هارا تزیل داده اید (صدری کیوان - ارقام مضاعف دودفنه ذکر شده است) بهر حال آنرا قبول دارید که رقم کلانی است (صدری کیوان - دو بیست و خرده ای است) شرکت نفت هم هست) امیدوارم آن چنان باشد دوست عزیز بنده امیدوارم آنچنان نباشید که اگر بر دیده مجنون نشینی بغیر از خوبی لیلانینید بهر حال مسلم يك رقم قابل ملاحظه ای هست (صدری کیوان - باید باشد چون وظائفشان قابل ملاحظه است) بهر حال من از شما سؤال میکنم که این شرکتهای انتفاعی چرا ضرر میکنند بنده فکر میکنم چرا ضرر میدهد (مخبر کمیسیون است نمیتواند سؤال بکند) همین اگر دست بخش خصوصی بود منفعت میداد چرا ضرر میدهد عدم مدیریت و عدم اعمال مدیریت صحیح و پرسنل اضافی غیر متناسب با حجم فعالیت دریافت مزایای غیر معقول از طرف هیئت مدیره و بازرسان و اضافات و مضافات و بستگان شمشا شرکت فرش رابه بینید رقم سود بثمانشان داد اما بروید در کارگاههایی که در بخش خصوصی است همان مواد اولیه را مصرف میکنند چطور است این سود سرشاری میدهد چون دلسوز است

احساس و لمس میکند مال خودش است آن روزی شرکتهای شما نفع دارد که احساس بکنند بیت المال مال خودشان است نه اینکه فکر کنند بیت المال مالی است جدا گانه از مال آنها نتیجه همین است علی کسانی را که بسر کار میگماشت اولین کاری که بآنها تکلیف میکرد این بود که بآنها میگفت کلکم راع و کلکم مسؤول همه شما نگهبان بیت المال هستید و همه مسؤول هستید این باید احساس بشود آیا احساس نمی کردند کسانی که در پست های مختلف بودند که باستی يك دله بشوند نه صد دله تا آنکه آن فرمان همایونی صادر شد که بیاید يك دله شوید احساس نمی کردند نمیدانند آنکسی که سهم دارد در فلان شرکت مجبور است که از آن دفاع بکند این را احساس نمی کردند این است دل سوزی نیست و بالاتر شما هر روز قوس صعودی می بینید برای تشکیل شرکتهای این تمایل زیاد است دلیل دار یکی فراز از زیر چتر قانون محاسبات یکی مشمول نشدن در خرید و وضع اعمال مشابه نسبت بآن آئین نامه و قوانینی که هست در شرکت ها، استخدام ملاک و ضابطه متقنی ندارد هیئت مدیره اختیارات کافی دارد که در سطح وسیع هر چه میخواهد بکند و هیچ مسئولیتی هم بمفهوم مسئولیت ندارد جواب میفرمائید مسئولیت دارد ولی در قالب ومفهوم واقعی آن ندارد از تعداد ۱۲۵ شرکت دولتی در سال پنجاه ۳۹ شرکت و در سال پنجاه و يك ۴۰ شرکت و در سال پنجاه و دو ۵۰ شرکت زبان داشته باز هم علاقه دارید که هر روز اضافه کنید چون بشر قبل از اینکه تحت مهمیز عقل باشد تحت مهمیز تمایل و شهوت است تا میشود از زیر قانون محاسبات فرار کرد تا میشود بعنوان رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل خود تصمیم گرفت و هر کار که میخواهد کرد بجهه مناسبت آدم خودش را در گیر و دار قانون محاسبات در بند کند سیاست بر این بود که، البته من این را میدانم، اقتصادی که شما خواندید ماهم الفبایش را خوانده ایم کتابهای تازه را هم میخوانیم البته بنده آن مضاعفی را که جناب صدری کیوان فرمودند نمیدانم، آنرا حسابرسان خبره میدانند، شما این قسمت را خوانده اید و من نخوانده ام و من نمیدانستم که نماینده مجلس حسابرس خبره هم باید باشد که از امروز میروم دنبال شما هم اگر خواستید با هم میرویم (صدری کیوان - ما کارهایمان کرده ایم) حتماً غربالتان را هم آویخته اید

بهر حال حتماً جناب دکتر مجیدی جواب خواهند داد که دولت در جهت منافع مصرف کننده و تولید کننده و بخشهای نوپا و از این لغت‌های خیلی جالب که البته من نمیدانم چرا در داخل شهر می‌گویند محدوده و در اصطلاحات علمی می‌گویند چهار چوب اگر چهار چوب درست است محدوده را هم بگویند چهار چوب (یک نفر از نمایندگان - قیاس مع الفارق است) خیر اینطور نیست عربی گفتید در جواب باید بگویم قیاساتنا معها... بنده قبول دارم دولت جنبه ارشادی دارد باید بعضی از قسمت‌ها را کم کند خود تصدی کند و عهده‌دار باشد اما یک اقتصاد شکوفان، یک اقتصادی که در حال رشد عظیم است تاکی میتواند ضرر شرکتها را بدهد تاکی می‌تواند سرمایه‌های عظیم را که بایستی رها شود در جهت اجتماع و منافع مردم برای همیشه حبس کند یک پرسنل اضافی را در یک کادر محبوس نگه دارد، رها کنی این را در اجتماع که دیگران بهره‌برند و بخش خصوصی تقویت شود باین ترتیب بهتر اداره میشود چون بنا بر ایجاز بود عرض دیگری در باب شرکت‌هایی کم اما یک سؤال دارم و آن هم جناب صدوری کیوان بهره‌ایست که در کمیسیون بودجه گرفته‌ام در کمیسیون بودجه بحث شد راجع به شرکت سهامی ماشینهای محاسب الکترونیک سؤال شد شما که اساسنامه‌تان هنوز مرکب خشک نشده چطور شد در سال ۵۲ نه میلیون تومان درآمد و ۷ میلیون خرج داشته‌اید شما که هنوز بودجه‌ای برایتان تصویب نشده بود و اساسنامه‌تان را چند روز پیش آوردید خدا بشما حواله کرد آنچه‌تان که دیگران ندیدند از کدام منبعی خرج کردید از کجا تمهید کردید کی شمارا مجاز شمرد کسی که در صندوقش دیناری ندارد ۷ میلیون تومان خرج از کجا میکند و چطور ۹ میلیون تومان درآمد نشان داده میشود اگر این را نمونه سایر شرکت‌ها بگیرید و این اعداد را دلیل سایر شرکت‌ها بگیریم استقراء یکی از راههای تحقیق است استقراء را من و شما آقای صدوری کیوان خوانده‌ایم که یکی از راههای تحقیق است ۷ میلیون تومان خرج ریالی نداشتند ۹ میلیون تومان سود؟ مگر خداوند یک عنایت خاصی داشته و از مخزن غیب حواله کرده، امسال در سال ۵۳ منبع درآمد این شرکت

از ماده ۵ وزارت دارائی ۵ میلیون یا ۶ میلیون تومان قرار شده که این شرکت ماشین‌های محاسب کرایه کند و حساب‌ها را نگاه دارد قبول ولی این شرکت که درآمدش معین است از چند منبع است و ۶ میلیون بیشتر در آمد ندارد چرا رقم ۱۵ میلیون تومان بما نشان میدهد این را در اصطلاح جزا می‌گویند اغراه بجعل، البته شرکت شيلات سود دارد ولی بنده اصلاً راجع بخوابار صحبت نمیکنم و در کلاس خود صحبت میکنم بنده کاری ندارم که خوابار گران شده باشد و بنده اگر سالی خوابار زیارت کنم در مهمانیهای دولت است.

عباس میرزائی - احسنت.

حکمت یزدی - در منزل لیدر شما هم هست.

عباس میرزائی - پس معلوم میشود که شما بمنزل

ایشان هم رفته‌اید.

حکمت یزدی - بمنزلشان نه هزار وعده خوبان یکی وفانکنند.

عباس میرزائی - مبارک است آنجاها هم

میروید.

حکمت یزدی - چرا نرویم خیال میکنید فقط

شما میتوانید بروید بهر حال از خوابار بگذریم اصولاً بمن چه که گران شده نه تنها من بلکه آنهایی هم که مرا بسمت وکیلشان انتخاب کردند یقین دارم کلمه خوابار جز در کتابها جای دیگر خودش را ندیده‌اند اما نمیدانم درست است این سیاست که درست شب بلد است و عده پخش ماهی دادند ماهی سفید و سوف کیلویی ۵ تومان ترقی کند این مسلم است که این امر الهامی میشود ب دیگران، من نمیدانم شما که میخواهید سیاست نرخ گذاری صحیح را اجرا کنید چطور اینکار را می‌کنید بعد استدلال میکنید که ماهی برای مدت معینی دو ماه یا سه ماه می‌آید بیازار البته جز عده معدودی کسی نمیبند فقط خیرش را در روزنامه‌ها میخوانند، البته دسته معینی میخرند در وقت معینی ولی و یک تن از خوبان گندمگون نصیب ما نشد - ما سیه بختان مگر فرزندان آدم نیستیم.

عباس میرزائی - ماهی را شب عید میخورند نه

شب بلد است، شب بلد است و هندوانه میخورند.

حکمت یزدی - من و تو جایمان را باید عوض کنیم

میگویم فکری درباره مالیات غیر مستقیم بکنید که بارش روی دوش طبقه کم درآمد است.

عرض این است که کارخانه‌هایی که ظرف ۲ سال سرمایه خودشان را پیدا کرده‌اند قانون مالیاتان را اصلاح کنید بجهت مناسبت کسانی که در یک محیط مساعد در محیطی که به همت شاهنشاه تمام وسائل فراهم است کارگران قانع باشنری که از پیام تا شام زحمت می‌کشند و بهره‌کار آنها باین صورت درمی‌آید چرا مالیات نمیدهند نرخ مالیات را تصاعدی بالا برید مثلی است که میگویند هر که بامش بیش برفش بیشتر این بحث ندارد قانون را اصلاح کنید اما یک نکته هم هست این را بجناب دکتر آموزگار عرض کنم و در امر مالیات و در هر کار دیگر درستی تنها کافی نیست، امام جماعت نمیخواهیم نماز وقت دارد و یک کسانی هم برای این کار هستند درستی شما کافی نیست علاوه بر درستی تربیت خانوادگی هم باید باشد من آریستو کراتیک فکر نمیکنم ولی اعتقاد دارم کسی که در یک دامن پاک بزرگ شده فرق می‌کند با کسی که در دامن ناپاک باشد بطور قطع اینطور است شهادت و شجاعت میخواهد عوامل هست که بادرستی که توأم شد نتیجه مطلوب را بیار میآورد و باز اعتقاد دارم همچنانکه جناب رامبد فرمودند مالیات بر اشیاء لوکس و رسومات را زیاد کنید این اصلی است که در عدالت اجتماعی بطور قطع مؤثر است بنده یک پرونده قتل رسیدگی میکردم مرسوم بود برخلاف سنتی که مرسوم تحقیق است میرفتم روی انگیزه‌های ارتکاب جرم که چه شده که یکی مرتکب جرم می‌شود یا دم نمیرود که مرد جوانی بود زن و یک بچه شیرخوارش را کشته بود وقتی تحقیق کردم گفت من از زنم یک ناراحتیهای داشتم از شدت ناراحتی رفتم و در یک دکای مشروب فراوان خوردم و فیلمی راهم در یکی از سینماهای لاله زار دیدم داستان فیلم شبیه زندگی من بود مشروب کار خودش را کرد خاطر هم آنچنان بود که مرا و ادار به تصمیم کرد آدم کاردی تهیه کردم و زنم را کشتم بعد بدیدم مادر را کشتم شیر از کجا برای بچه‌ام تهیه کنم او را هم کشتم بجای این دکه ها دکه کتاب باز شود چطور میشود؟

مسأله مسکن را عرض کنم گفت‌شان علمائین مصداق تو کارگری هستی که میدانی ماهی را کی باید خورد و من قاضی هستم که هنوز نمیدانم ماهی را کی باید خورد اجازه بفرمائید بمناسبت شغلی که یک روز داشتم و بآن افتخار میکردم و امروز هم افتخار میکنم بمناسبت شغل قضا مطلبی که بمن بسیار چیزها آموخت مکتبی که من اگر شاگرد خوبی بودم شرف و تقوی و مناعت طبع و فضیلت و تسلیم نشدن در مقابل زور بمن آموخت من افتخار میکنم باین مکتب و در دنباله این مطلب بحث عدالت اجتماعی بمفهوم عام مطرح میشود جناب وزیر دارائی تشریف دارند در بایشان ارادت دارم برای اینکه از یک خانواده قضا و خانواده علم هستند و این البته مانع نمیشود که آنچه را که احساس میکنم بعنوان اشکالی و بعنوان نقصی بیان نکنم من آنقدر منصفم که مصر نیستم آنچه را که میگویم صحیح است اگر صحیح باشد و گنا قبول کنید خدا را سپاس می‌گویم اگر اشتباه کنم و شما مرا راهنمایی کنید تشکر میکنم که برداشتنی‌هایم افزوده شده‌یج تعصب ندارم من در مسئله مالیات آنچه که خوانده‌ام و تجربه کرده‌ام اعتقاد دارم که همیشه باید کفه مالیات مستقیم بر کفه مالیات غیر مستقیم بچربد روند درآمد مالیات مستقیم شما را قبول دارم کاملاً تزیاید نشان میدهد ولی مالیات غیر مستقیمتان را ببینید چه روندی دارد مالیات مستقیم سال پنجاه و یک ۴۲/۵ و سال پنجاه و دو ۵۶ و سال پنجاه و سه ۶۶/۷ مالیات غیر مستقیم سال پنجاه و یک ۶۱/۳.

صدوری کیوان - نسبت مالیات مستقیم به غیر

مستقیم یک به ۱/۳ است که در هیچ جای دنیا سابقه ندارد شما باید نسبت‌های این دورا قبل از انقلاب که یک به چهار بوده است با حالاً مقایسه کنید آن موقع یک به چهار بود و حالا یک به ۱/۳ رسیده است.

حکمت یزدی - اجازه بفرمائید عیب را من

می‌گویم هنرش را شما بفرمائید. در مالیات‌های غیر مستقیم ۶۱/۳ و ۸۱/۷ و ۱۰۴ یعنی تفاوت مالیات‌های مستقیم ۴۲ تا ۵۶ چهارده و ۵۶ تا ۶۷ یازده غیر مستقیم ۶۱ تا ۸۱ بیست و ۸۱ تا ۱۰۴ بیست و سه، این هم یک درصدی است قبول دارم کار شده اگر بگوئیم تصاعد نداشته بنده

نیست ولی چه کنم هر چه میخوام بگویم مصداق رایباید تعیین کنم در مسأله مسکن بنده اجازه میخوام برنامه دولت را در سال ۱۳۵۰ بخوانم عبارتی که در آن برنامه آمده بود چنین است .

شک نیست که توسعه صنعتی و گشایش روزافزون اقتصادی مملکت گرایش شهرنشینی را پیوسته نیرومندتر خواهد کرد چنانکه در سال ۱۳۳۵ فقط ۳۲ درصد - در سال ۱۳۴۵ حدود ۳۸ درصد مردم مملکت ساکن شهرها بودند در حال حاضر اندکی بیش از ۴۲ درصد سکنه کشور در شمار شهرنشینان محسوبند و پیش بینی میشود که از حدود ۱۳۶۰ بعد کفه جمعیت شهری سنگینی بیشتر گیرد و از نظر حجم بر کفه روستائی غلبه کند.

به همین مناسبت است که باید شهرهای کشور را که تعدادشان رو به فزونی است و عدد نفوسشان نیز غالباً رو به ازدیاد می رود برای پذیرش این جمعیت گسترش یابنده از هر جهت آماده کرد. ولی چنین توجهی هرگز مارا از عمران دهات که سکونت گاه مهمترین قشر جامعه ما یعنی روستائیان و کشاورزان زحمتکش است غافل نخواهد نمود به همین مناسبت بود که برنامه چهارم اعتباری معادل ۹/۱ میلیارد ریال بعمران و نوسازی دهات اختصاص داد و فقط در سه سال اول برنامه با جرای ۶۹۳ طرح آب - آشامیدنی - ۱۳۹۵ طرح تأسیسات و ساختمانهای بهداشتی و ۴۷۳ طرح سالم سازی محیط روستا کمک نمود در سال جاری که مصادف با جشن شاهنشاهی ایران است اعتبارات بسیار وسیعی از طریق مقامات استانداری برای عمران و نوسازی دهات تخصیص یافته و توزیع گردیده است.

در ارتباط با برنامه نوسازی کشور، تأمین مسکن خصوصاً برای طبقات متوسط یا کم درآمد را باید از جمله هدفهای بزرگ اجتماعی و اقتصادی روزگاران انقلاب دانست، تخمین زده شده است که در سال ۱۳۴۸ برای هر یک هزار خانوار شهری ۶۶۴ واحد مسکونی وجود داشته و این خود نشان دهنده آشکار کمبود شدید مسکن در شهرهاست (بررسی سال ۱۳۴۵ طی سرشماری دوم کشور نیز حاکی از آن بود که برای ۱/۵ خانوار فقط یک واحد مسکونی در کل کشور وجود داشت) و بدیهی است که با

آهنگ سریع مهاجرت شهرها و ازدیاد روزافزون ضریب شهرنشینی، وضع مسکن اگر بحال خودرها شود مشکلات بسیاری بیار خواهد آورد.

البته نمیتوان اهمیت کوششهایی را که برای رفاه کمبود مسکن در شهرها تاکنون صورت گرفته نادیده گذاشت چنانکه در نتیجه این سرمایه گذارها که غالباً ببخش خصوصی تعلق داشته تعداد ساختمانهای موجود در شهرها از ۲۱۲/۱۷۰ واحد در سال ۱۳۴۲ به ۴۵۳/۶۲۴ واحد در سال ۱۳۴۹ فزونی یافته و بعبارت دیگر بر تعداد این ساختمانها طی ۸ سال ۳۳/۸ درصد افزوده شده (از این ساختمانهای جدید که حدود ۴۱۰ هزار واحد بالغ میشود ۸۵ تا ۸۸ درصد مربوط بواحد های مسکونی است) معذک این کوششها با توجه با افزایش سریع جمعیت شهری که بین ۴ تا ۵ درصد در سال برآورد شده است (در مورد شهر تهران بین ۵ تا ۶ درصد) کافی بنظر نمیرسد. در برنامه چهارم هدف تهیه مسکن احداث ۱۱۰ واحد مسکونی جدید برای هر یک هزار جمعیت اضافی تعیین شده بود. ارقام موجود درباره سه سال اول برنامه حاکی است که فقط در حدود ۱۳۳ هزار واحد مسکونی در مناطق شهری ایجاد شده است و با در نظر گرفتن روند احداث مساکن میتوان پیش بینی نمود که تا پایان برنامه چهارم فقط حدود ۲۶۰ هزار واحد مسکونی شهری ایجاد شود که باز از رقم ۲۷۵ هزار واحد مسکونی مورد نظر در برنامه مذکور کمتر است. مسأله ای است در عربی هم میگویند من صنف استهدف هر کس کتابی نوشت و چیزی تألیف کرد خودشرا در معرض انتقاد قرارداد نظریه ای هست در مورد کارخانه هائیکه میگویند کارفرما بایست خسارت وارده بکارگرا بردارد چون منطقه خطر ایجاد کرده این یک فلسفه علمی است اینجا کسی که گفته ابراکت خواه و ناخواه انظار متوجه میشود برای کتاب نقد مینویسند و یک فیلم خوب را که انتقاد میکنند برای همین است مسلماً چیزهای خوب انتقاد میشود مسلماً چیزهای خوب موجب بروز ابهاماتی میشود و این ابهامات موجب بوجود آمدن پرسشهای مجددی میشود سؤال بنده اینست که بشهادت این عبارات از سال ۴۵ احساس شدید فرمودید که مسأله

مسکن يك مسأله مهم و قابل توجه و با عنایت بمسأله مهاجرت دائم التزاید باید برای آن چاره ای اندیشید سؤال بنده اینست که پیش بینی میفرمودید که ما روزی مواجه شویم با قلت مسکن و کمی مصالح ساختمانی؟ آیا در سال ۴۵ نمیشد سفارش چند کارخانه برای مصالح لازم را میدادید که امروز ما بعنوان برنامه ضربتی لایحه ای نیابوریم برای تثبیت و تعدیل مال الاجاره تصدیق میکنم این لایحه لازم بود جلوی تجاوز را در هر لحظه باید گرفت ولی عرضه و تقاضا نباید فراموش شود (عباس میرزائی - اولویت هارا نباید فراموش کرد کشاورزی اولویت دارد) مسکن بجه عوامل بستگی دارد اول مسأله زمین است زمین در دست عده ای بورس باز است قیمت زمین ۴۰ تا ۶۰٪. قیمت خانه است نمیدانم چه معضل شده این مسأله زمین و این طلسم را که باید بشکند یکی از طرق ضد تورمی جلب پس اندازهاست با آگهی هائی که هر روز می بینیم ملارد شهریار باغ ۵۰۰ متری ۱۰۰ متر اینها همه سرمایه مردم را جلب کردند در يك مقدار خاک اینطرف و آنطرف و هر روز گول زدن و کلاهبرداری از مردم حساب می کند فردا میشود متری ۱۰۰-۲۰۰ تومان می گوید چرا ذخیره کنم می گوید زمین میخرم امشب که خواهم فردا ۵۰ تومان میشود ۵۰ تومان پس عامل اول زمین است عامل دوم مصالح ساختمانی است مصالح ساختمانی را میتوانستید سابقاً قبل بیاندیشید که امروز سیمان باین ترتیب نباشد استدعا میکنم یکی از شما تشریف ببرید البته شمارا شناسند. بعنوان يك مراجعه کننده عادی برای خرید سیمان شما میگویند ماشین را آن کنار بگذار يك کیسه سیمان میدهد ۳۵ تومان اگر گفتی سه کیسه میخوام میگویند یکی صبح یکی ظهر یکی شب میدهم (دکتر ناوی - شما از کجا میداند) تا مثل ما نشوید دردمار امیدانید (دکتر ناوی خدا نکند مثل شما بشوم) من اعتقاد دارم دولت زمین هائی را که دارد بعنوان مقدم بر خیر و گذار کند به بخش خصوصی باقیمت مناسب تحت شرایطی معین جناب وزیر آبادانی و مسکن می گفتند ما از قلعه سلیمان خان ۲ میلیون متر بیشتر نداریم این خودش خیلی زیاد است مسأله طرشت را حل کنید آن زمین خواران که هر روز محدوده ثبئی را تغییر دادند چند زمین های مردم و دولت را خوردند عرضه کنید

ببخش خصوصی می شود کار کرد جلوگیری می شود از بورس بازی مسخره زمین و سرمایه جلب می شود بیک طرف صحیح اعتقاد دارم مسأله ساختمان که حداقل صد طبقه از آن استفاده می کنند اگر تورم ایجاد کنند يك تورم ملیح است حدود يك يادو یا ۳٪ در جنب مسأله مسکن ذکر خیری هم از شهرداری میکنم هر وقت صحبت از شهرداری است مسائلی هم مطرح می شود اولاً کار شهرداری چیست؟ گفتند کار شهرداری شهرسازی است بحث از محدوده و خارج از محدوده ۳۰۰ متر جواز هم نیست آقای شهردار در کمیسیون بودجه گفتند این را بروید از دولت پرسیدند نقشه جامع شهر داخل و خارج چهار چوب با دولت است از این میگذرد يك سؤال دارم يك مبلغی از خزانه دولت بعنوان کمک بشهرداری تهران از بیت المال بودجه عمومی قائل شدید که این مبلغ در سال ۵۲ - ۱۲۱ میلیون تومان در سال ۵۳ - ۱۱۹ میلیون تومان است جناب آقای نخست وزیر من سئوالی دارم اگر موکلین من گفتند که چه فرقی است میان ماه من تا ماه گردون میان شهرداری ما و شهرداری پایتخت چه جواب بدهم؟ مسلم است يك جوابی داده خواهد شد که شهرداری پایتخت مربوط پایتخت است و خرج بسیار دارد و چون در آمدش تکافو نمیکند باید دولت باو کمک کند درست است آنطور که من یادام است مربوط یکی از قوانین سازمان برنامه بود که گفته شد این پول در جنوب شهر خرج بشود من می پرسم از حسن آباد به پائین شهرداری چه قدمی برداشته (ایلخانی پور - پارک ساختند) این ها صاحب شمال هستند آن صاحب جنوب ولی کنار پارک يك چیز دیگر را هم می بینید که پامیر و در آن لجن زار.

احتشام شهیدی - لجن زار نیست با ۶۰ میلیون پارک فرح را ساختند.

حکمت یزدی - کنارش را گنتم شما قربان که با آن حرارت صحبت میفرمائید حضرت عبدالعظیم که تشریف بردید کنار قبر سردار کبیر ایران همانجائی که تمام مردم هنگامی که از روستاها و شهرها می آیند بنا به عادت مذهبی شان بانجا میروند آنها که نمی آیند به بالای شهر آنها میروند آنجا و در

کنار آن يك محوطه بسیار خوب درست شده اما در پشت آن محوطه ای هست که اگر نگاه بکنید متوجه می شوید چه حالی دارد که من در پشت این تریون توصیف نمیکنم (یکی از نمایندگان - خیلی هم عالیست) بلی من نمی گویم عالی نیست ولی اگر شما در لباس مشکی خودتان يك لکه کوچکی باشد همان لکه لباستان را خراب می کند اگر روی يك لباس سفید خدای نکرده يك لکه خون بیفتد آنرا خراب می کند که باید داد به لباسشویی و آن لکه را از بین برد. يك سؤالی دارم چون منصف هستم من فکر می کنم که باید بایک خصوصیتی برای شهرداری پایتخت کمک قائل شد ولی سؤال می کنم (خطاب یکی از نمایندگان) خود جنابعالی آیا از حسن آباد به پائین شهر رفته اید؟ (یکی از نمایندگان - خیلی هم خوب است) بله اعتبارات شهرستانها و روستاها را بگیرند و به تهران بدهند. برویم به سازمان تربیتی شهر تهران، بنده اعتقاد دارم هر چه کمک شود باین سازمان تربیتی باز کم است. بنده داستان اینرا نمیخواهم باز گو کنم چون خاطره های درد آوری دارم خودم ناظر بودم و شهردار تهران گفتند که این مناظر دیگر تکرار نخواهد شد خود بنده دیدم بچه هائی که جنایتکاران آنهائی که يك جو شرف و حیثیت در وجودشان نیست بچه ای که ۶ ساعت از موقع تولدش گذشته و یا ۸ ساعت از تولدش گذشته او را می گذارند در مسجد و دم منزل جنابعالی و دم مطب يك دکترو پاسبان آنرا بر میدار و می آورد به دادسرا و دادسرا نامه می نویسد ب سازمان تربیتی که بچه را قبول کنند در نتیجه این رفت و آمدهای مکرر موجب می شد که بچه ذات الریه بگیرد و تلف بشود. گفتند ۴۳۰۰ نفر نگهداری می شود رقم باید بیش از اینها باشد. مسأله معلولین و عقب افتادگان مسأله قابل توجهی است اگر اشاره بکنم ۷۰۰ هزار معلول داریم در ایران بنده از این داستان میگذرم اعتقاد این است که هر گونه مؤسسه ای که تحت این عناوین از بودجه دولت و خزانه دولت کمک می گیرند باید موظف به قبول

باشند برای اینکه در جنب آن جمعیت حمایت کودکان بی سرپرست از این عناوین زیاد است. مسأله مایحتاج عمومی من در اینجا طرح مسائل اقتصادی را بعنوان يك بحث آکادمیک، بحث غیر ضروری می دانم آیا مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک چیست و عقیده کیتز چیست گفت خورش قیمة با قاف نوشته می شود و با باغ گفت باگوش می نویسند بحث کنیم از روی واقعیت راجع به تورم جناب آقای رامبد بحث مفصلی کردند بنده تکرارش را اینجا زاید می دانم ولی آنچه از بانک مرکزی گرفتم جناب آقای دکتر مجیدی يك مسأله بود گفتند که ما برای مبارزه با تورم سیاست تحدید اعتبار را پیش گرفتیم این لغتی بود که خود نماینده بانک استعمال کرد و متأسف شدم که گفت بیانکهای دیگر توصیه کردم که شرط انصاف نباشد که شما اعتبارتان را تحدید نکنید و صرف نکنید برای امر تولیدی وقتی بانک مرکزی تصمیم می گیرد و دولت در يك جهت صحیح برای مبارزه با تورم سیاستی اتخاذ می کند صحیح نیست شرط انصاف نباشد و تعارف یعنی چه مگر کسی می تواند برخلاف آنچه مصلحت مردم است قدم بردارد آنچه مناسب است آقای انوشیروانی این آیه را که می خوانم از قرآن است آیه :

الذین یکتزون الذهب ولا ینفقونها فی سبیل الله فبشرهم بعذاب الیم .

بهترین تعبیر را قرآن کرده آنهائیکه احتکار میکنند و در راه اجتماع همگامی نمیکنند و فقط بفکر جیبشان هستند اینها دچار يك عذاب الیم میشوند و در انتظارشان هست بحث ندارد و تعارف ندارد که بگوئیم توصیه کردیم و گفتیم شرط انصاف نباشد يك نکته کوچک هم عرض میکنم در جنب این بانکها شرکتهائی که درست کردند پرونده شان از چه قرار است مسأله ایست اما شما یکی از طرقی که برای مبارزه با تورم پیش گرفتید از دید نرخ بهره بمنظور جلب پس اندازها بنده آنطور که یادم است در یکی از کتبی که تحت عنوان پس انداز در اقتصاد نوین خواندم آخرین نظریه علمی که مطرح شده بود برای جلب پس اندازها باین نکته تکیه شده بود که پس انداز کننده باید اطمینان داشته باشد که قدرت خرید

پولی را که پس انداز می کند در آتیه کسر نکند این مسأله جالبی است اگر روی مسأله زمین تکیه میکنم برای همین است اگر قرار شود هزار تومان که در بانک میگذارد فردا از لحاظ خرید ماده مصرفی ارزش ۸۰۰ تومان داشته باشد پس می رود قالی میخورد راستی عجب بازار قالی گرم شده می رود زمین میخورد که يك شبه مقدار زیادی بالا برود چرا پس انداز کند. مسأله گرانفروشی مطرح می شود البته يك تورمی نامطلوب از خارج به ما تحمیل شد اما بمحض اینکه این کلمه تورم نامطلوب از خارج اعلام شد مثل اینکه يك عده سودجو منتظر بودند یکدفعه رفتند باستقبال و قیمت ها بالا رفت بنده تعین مصداق نمی کنم اطلاق اصناف در این مسیر چه کرده این سؤال من است گفتند قانون نظام صنفی می خواهیم گفتند قانون تشدید مجازات گرانفروشان می خواهیم گفتند اجناس باید اتیکت زده شود خودم شاهد عینی بودم فاکتور شراهم می آورم اتیکتی روی يك بخاری در يك فروشگاه دیدم زده شده ۸۵۰ تومان در فروشگاه دیگر همان بخاری را با همان مشخصات اتیکت زده بودند ۹۱۰ تومان و من اگر قرار بود فریب اتیکت را بخورم شاید همان ۹۱۰ تومانی را خریده بودم ولی به چهار دکان رفتم قیمت را که گفت گفتیم ملاکت چیست يك روز نامه آماده داشت گفت به نرخ قبل از خرداد گفتیم نرخ خرداد چیست یا بهمان زبانی که همیشه مصرف می کردیم برای خرید کالا با هم صحبت کنیم گفت اگر روزنامه نبود ۳۰ درصد کسر می کردیم ولی باعتبار این روزنامه ۴۰ تومان کم می کنم بنده طبقه اصناف احترام می گذارم و معتقدم که بسیاری از آنها کاسب حبیب خدا هستند شما آمدید اصناف را در اطاق اصناف جمع کردید و يك پوشش حزبی هم بآن دادید.

حریف مجلس ما خود همیشه دل می برد

علی الخصوص که نیر ایه ای براو بستند

شما جناب آقای اخلاقی یعنی معتقد هستید که اطاق

اصناف وظیفه اش را خوب انجام داده (اخلاقی - بلی مسلماً) پس این روزنامه ها را بعنوان نشر آکاذیب تعقیب کنید

قانون مطبوعات است این را شما که کمیته ملی حمایت از مصرف کننده تشکیل دادید و در رأس آن شخصی هست که مورد احترام ما و بالاخص بنده هست (صحیح است) ما هم يك نفر بیشتر در آنجا نداریم جناب آقای فرهادپور (بکفر از نمایندگان - افراد صالحی هستند) بنده راجع به ترکیب افراد حرفی ندارم نهایت احترام را برایشان قائلم به تصمیماتشان احترام می گذارم با علائنهایشان احترام میگذارم بعنوان يك خبر موثوقی این را من نمیگویم این روزنامه می گوید که اجحاف ادامه دارد این را که من نوشتم اگر این روزنامه خلاف میگوید طبق قانون مطبوعات تعقیب کنید و اگر واقعیت میگوید بفکر باشید که منشأ و منبع آن کجاست (دکتر الموتی - چرا اقلیت می خواهد مطبوعات را در فشار بگذارد مگر پیشنهادی برای تحدید مطبوعات دارید) نه مطبوعات مورد احترام است و رکن رابع مشروطیت مسأله خدمات رادر دو کلمه می گویم و می گذرم بنده مسئله خدمات درمانی را در دو جمله میگویم و میگذرم بنده در مسأله خدمات درمانی آقای دکتر مرشد راجع بمسأله درمان صحبت نمیکنم اما در مسأله درمان يك سؤال دارم نرخ ویزیت پزشکان و این مؤسسات درمانی بکجا رسید من نمیدانم ضابطه چیست؟ پزشك داخلی مراجعه می کنید میگوید دفعه اول صد تومان دفعه دوم هفتاد تومان چه شد که ۳۰ تومان افت کرد آشنائی از کجا پیدا شد ضابطه چه؟ این پزشك میگیرد ۳۰ تومان آن کلینک میگیرد چهل تومان آن دیگری میگیرد پنجاه تومان چرا مگر این علم اینقدر مقامش پائین آمده که اینطور بفروشیم چه جور شد آن مقام روحانی يك طبیب محله بود بعنوان روحانی مورد اعتماد و احترام همه بود ولی امروز همه چیز باید با پول معامله شود دو صنف درست شده بیمار و دکتر این یکی از دست آن ناله و آن دیگری از دست این شکایت مگر ما ایرانی نیستیم مگر آن تحصیلی که آن دکتر کرد از بودجه این مملکت نیست؟ و نمی نبود که مملکت در اختیارش گذاشت پس چرا اینطور است امروز برگشته ای برای همین چه دیر آمدی ای نگار

سرمت چه خیر است؟ تند مران ای دلیل راه که مبدا خسته دلی در قنای قافله باشد عرض دیگری نمیکنم به سئوالم باقی میمانم خدا کند يك روز جواب مساعد بدهند جواب مساعد بمن و دردمندان در مسأله آموزش و پرورش حتماً عرایض را باید مخبر صادقی بوزارت آموزش و پرورش بگوید یکی از اقتصاددانان بزرگ میگوید هیچ افراطی بیشتر از افعال تفریط آمیزی که موجب شود نوابی در خانواده های فقیر دنیا میآیند صرف کارهای بی اهمیت بشود خیلی عبارت جامعی است در این خانواده های تهیدست خدا را شکر و سپاس شهریار را که فقیر نداریم تهیدست هم نداریم اما کم درآمد داریم در این خانواده های کم درآمد اگر بدانید چه استعدادهایی هست چه ذوقهایی هست این استعداد را همان چوپان بانی خودش بیان می کند معلوم نیست اگر همان چوپان را اگر برایش وسائل فراهم میکردند خیلی از بنده بهتر درس حقوق را بخواند.

خانم جهانبانی - امروز کشاورزان در دانشگاه رفته درس میخوانند باین مسائل توجه شده است.

حکمت یزدی - بهرحال هیچ تغییری بقدر بهبود و توسعه مدارس به افزایش سریع ثروت ملی کمک نمیکند جوانان تحصیل کرده سالم بهترین سرمایه و ذخیره ملی و ثروت ملی برای يك اجتماعند بطور قطع از يك راه فایده شان بیشتر است بطور قطع از خیلی برنامه ها فایده شان بیشتر است برای اینکه يك اجتماع فهمیده سالم میتواند همه کار بکند بنده يك جمله کوچک عرض میکنم ما آمدم مؤسسات آموزش را مالیاتشان را کسر کردیم و گفتیم از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۱ اگر سرمایه را بمصرف توسعه امر آموزش رساندند معاف باشند از پرداخت مالیات سنواتی بسیار قدم بزرگی بود همه هم قبول کردند اما من يك خواهش دارم مربوط بوزارت دارائی نیست مربوط بوزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی است برای اینها يك استاندارد هایی تعیین کنید از لحاظ آموزش از لحاظ آزمایشگاه يك سئوالم دارم کی مجبور کرد فلان مؤسسه آموزش را در خیابان پهلوی ده میلیون تومان مدرسه بخرد آقا چه مانع دارد ۲ تا کوچه پائین تر تا سرمایه کمتری را مصرف کند.

یکی از نمایندگان - چه عیبی دارد.

حکمت یزدی - بسیار عیب دارد آنهایی که از هر شاگرد ۷۰۰ تومان میگیرند که او را برسانند آنجا اتوبوس ۵ قدم جلوتر است میشود با قیمت کمتری محلی را تهیه کنند بقیه اش را صرف تجهیزات مختلف آزمایشگاه و مسائل آموزشی کنند و از این لوکس بازی ها يك قدری کم کنند يك کمی در کارشان استاندارد داشته باشند مراقبت کنند فکر نکنند که همینقدر که مدرسه ملی باز شد درست شد تکلیف از ما ساقط میشود بنده بهرحال هر موقع سخن گفتیم بحث دادگستری خواه ناخواه پیش میآید عبارتی را در برنامه دولت دیدم پیش بینی میشود و با توجه به پرونده های موجود که تاریخ رسیدگی وضع آن به ۵۳ موقوف شد جمع ۲۷۱۵۰۰۰ پرونده جزئی و حقوقی در سال ۵۳ بدادگاهها و دادسراها از جاع شده و در حدود ۱۹۰۰۰۰ پرونده مخنومه گردیده یقین دارم این آمار يك پیش بینی است صحیح نیست بنده یقین دارم که در دادگستری با آن تپ فعال و باشرف نمیگذرانند ۸۰۰ هزار پرونده آنجا بماند اگر این رقمی که در این برنامه گفته شده که سالی ۸۱۵۰۰۰ پرونده بماند بعد از ده سال چه خبر میشود؟

یکی از نمایندگان - شامل مرور زمان میشود.

حکمت یزدی - خدا نکند، حق مشمول مرور زمان نمیشود بنده به شما قول میدهم آنچه در وظیفه قضات هست بنحوا کامل و اتم و با صداقت انجام داده و خواهند داد (آفرین) ولی در آن موقع که بزنامه دولت مطرح بود این جمله را گفتم و از جناب آقای نخست وزیر خواهش کردم که مادر دادگستری از لحاظ کادر نیروی انسانی فقیر هستیم بمن بگوئید حکمت تو خودت چرا آمدی اینجا؟ باید بگویم با يك گل هیچوقت بهار نمیشود (خنده نمایندگان) باید فکری بشود شما رقمی را آقای هنرمندی فرمودید که دوهزار و خورده ای قاضی داریم سؤال میکنم قاضی شاغل شما چقدر است؟ بحث را میگدارم و میگدارم بنده جناب آقای نخست وزیر آروز از شما خواهش کردم يك باشگاه برای قضات تأسیس کنند قضات بمناسبت شغلی که دارند نمیتوانند همه گونه معاشرت ها داشته باشند و در همه مجامع رفت

و آمد کنند آنها لازم است يك باشگاه داشته باشند بگذارید این قدم خیر بوسیله شما برداشته شود در مورد مسکن قضات هم استدعا می کنم عنایتی بفرمائید که مسأله قابل توجهی است يك مسأله ای را هم جناب آقای دکتر دادفر شما که بیش از من الحمد لله کشورهای خارج را رفته اید دیده اید که ساختمان دادگاههایش اولین چیزی است که بچشم میخورد.

دکتر دادفر - ۵۰۰ میلیون تومان برای ساختن خانه های دادگستری پارسال و امسال در بودجه منظور شده و بمقداری هم که قابلیت جذب داشته باشد آقای دکتر مجیدی تعهد کردند، بنابراین نظر جنابعالی تأمین است.

حکمت یزدی - عرضم را پس میگیرم خوشوقت شدم که اینکار شده عرضی ندارم اما در برنامه تسهیلات قضائی از این بعد خواهش میکنم آقای دکتر مجیدی دستگاه قضا يك کلماتی مخصوص خودش دارد اجازه بدهید همان کلمات حفظ بشود این کلمه تسهیلات قضائی ۶٪ اضافه این خیلی کم است اما یکجا دارد و در برنامه کارهایی که يك عده دلسوز میکنند ذکر نکردید پزشکی قانونی، پزشکی قانونی شما معاینه مصدومین تنها نمی کند خود بنده سالها آنجا ایستادم و کالبد شکافی ها کردند آنها معاینات پزشکی انجام میدهند آزمایشات را انجام میدهند با شرف ترین اشخاص در آن دستگاه هستند که رنجی که در آن بابت می کشند از بام تا شام زحمت می کشند باید تشویق بشوند.

دکتر المونی - يك دستگاه است که شما فرمودید و دستگاههای دیگر هم خوب کار می کند.

حکمت یزدی - باید از تمام خادمین تشویق بعمل آید بنده سهم خودم را میگویم دیگران هم بیایند بگویند من در زندگی غبطه نمی خورم حسد ندارم يك عبارت بکار بردید حتماً اطفال بزهار بکانون اصلاح و تربیت اعزام خواهند شد مفید چه فایده ای است.

مگر ما گفتیم افراد بزهار بکانون اصلاح و تربیت نروند اما شما چند تا کانون اصلاح و تربیت دارید من یکروز در پشت این تریبون گفتم که در

ایران مترقی و پرافتخار باید همه قوانین بکسان در همه جا اجرا بشود اما قانون اطفال بزهار در هر شهری يك حکمی دارد اصلاً جمله اطفال بزهار در جزای جدید نوجوانان بزهار می گویند چون طفل نیستند نوجوانان بزهار که ۱۷، ۱۸ سال دارند و دنیا بامسئله جوانان مواجه است دنیا با بزه کاری جوانان مواجه است واقماً باید بیندیشیم برای جوانان مجرم نيك بیندیشیم و معتقد باشیم که اجتماع این مرضی این بیماران را طرد نمی کند و بفکر آنها است و کوشش می کند آنها را بعد از اصلاح در آغوش خودش جای بدهد. من جناب آقای نخست وزیر یقین داشتم که این عبارت را اگر آنچنانکه لازمه اش هست خدمت جنابعالی توضیح میدادند میفرمودید که این عبارت عوض بشود خدای من گواه است که اینها را با خلوص نیت می گویم و با شما شريك هستم و با همه مردم ایران در اینکه بکوری چشم دشمنان قدمهای بزرگتری در جهت اصلاح و ترقی برداریم آرزوی قلبی ما است آرزوی من است ولسی جناب آقای دکتر دادفر رئیس محترم کمیسیون بودجه رقم يك میلیون تومان آیا برای وکالت تسخیری کافی است ضمناً بنده اصلاً با کلمه مسخر و تسخیر مخالفم مگر وکیل را بند و قلاب میاندازند که تسخیر میکنند این واقماً کلمه درستی نیست و در شان وکیل دادگستری نیست که بگوئید او را مسخر کرده ایم برای دفاع کسی که هزینه دفاع ندارد و او میدانند بمناسبت يك وکیل موظف باشد مجانی برود دفاع کند از يك منم.

دکتر دادفر - ولی توجه داشته باشید که بیست سال است این وظیفه را وکلای عدلیه انجام دادند با افتخار و سال گذشته دولت به این مسئله توجه کرد ولی چون آمارش هنوز نرسیده بنده تصور می کنم به محض اینکه آمار تهیه شد بودجه آن تأمین خواهد شد.

حکمت یزدی - فکر نکنید اینجا مطالبی که گفته میشود واقماً بعنوان مخالف است بحث می کنیم تا مطالبی را روشن کنیم.

يك نفر از نمایندگان - يك میلیون تومان برای اینکار در نظر گرفته شده است.

حکمت یزدی - منم عرضم همین است ولسی

تقاضا میکنم این رقم اضافه بشود چرا يك ميليون تومان؟ از این پول چقدرش بشهرستانها رفته است.

يكنفر از نمایندگان - همه اش.

حکمت یزدی - قربانت گردم پس وکلای تهران چه گناهی کرده اند بنده اعتقاد دارم باقانون جزای جدید، مجرم، جانی بالفطره و آن عقاید لمبروزمانش گذشته اینها بیمار هستند باید برایشان فکری کرد نباید فکر کنند که بخاطر بیماری از آغوش اجتماع رها شده اند و بخاطر تهی دستی باید فکر کنند اجتماع بعنوان يك حامی وکلای گرانقدرش راهمراه این مهم میفرستند در مورد دادگاههای استان مجبورم اینجام طرح کنم بعنوان يك نماینده بعنوان حفظ ماده ۸۶ متمم قانون اساسی در هر کرسی ایالتی يك محکمه استیناف برای امور عدلیه مقرر خواهد شد کلمه مقرر خواهد شد یعنی الزامی است و خوب است والا اگر خبری بود با کلمه مقرر نمیگفت بیقین و خوب دارد چطور شما یزد و بوشهر را استان اعلام می کنید ولی فکری بحال دادگاه استان نش نمیکنید.

صدری کیوان - بتدریج درست میشود.

حکمت یزدی - بتدریج نقتیشود سخن کوتاه به همت شاهنشاه بزرگ ما در آمد نفت دو برابر شده است نباید فکر کرد اکنون در صندلیهای خود لم بدهیم امروز وظیفه ماسنگین تر از دیروز و امسال مشکل تر از پارس است مادر زمینه تکنولوژی در زمینه صنایع مادر در زمینه يك کشاورزی شکوفان باید بکوشیم این کشاورزی را که هر روز بهانه میکنید که امسال هوا مساعد نبود باران نیامد پس تکنولوژی چه کرده چطور است همه جمع بشویم و دعا برای بطاران بکنیم نباید در مقابل قهر طبیعت سر تسلیم فرود آورید پس این برنامه ها چی است جناب آقای دکتر الموتی برنامه چهارم را يك بار مرور کنید خود جناب عالی و آقای مهندس ارفع یادش بخیر در همین مجلس گفتید که ما این برنامه را تصویب می کنیم بشرط اینکه دیگر شرایط جوی بهانه قرار نگیرد.

دکتر الموتی - من چنین عرض نکردم.

حکمت یزدی - عرض من این است اگر قرار باشد تسلیم شویم بشرایط جوی پس معلوم میشود هیچ رشدی و هیچ کاری رانمی توانیم پیش بینی بکنیم پس این برنامه و

بودجه و تکنولوژی برای چیست؟ (يكنفر از نمایندگان - تکنولوژی می تواند جزء عوامل تقویت کننده باشد نه فقط عوامل منحصر ومؤثر) اینطور نیست بدین سان هیچکس نباید تصور کند که بابدو برابر شدن در آمد نفتی اکنون کاری جز لمیدن در صندلی راحت ندارد نسل امروز ایران باید از خود گذشته گی و فعالیت کند و علیه میراث عقب ماندگی بچنگد فواید اصلی را که در زمینه پیشرفت اجتماعی، اقتصادی فرهنگی میان مناطق گوناگون کشور وجود دارد از میان بردارد توزیع عادلانه در آمدها تقویت پایه های فرهنگ ملی، ایجاد فرصتهای مساوی، تقویت روحیه های مشارکت دموکراتیک در زندگی سیاسی و جبهه همت ما باید باشد و در عین حال وظیفه داریم نسبت به جامعه بشریت سخاوت مان کمتر از شهرت مان نباشد بسیار متشکرم.

رئیس - آقای دکتر رشتی بفرمائید.

دکتر رشتی - جناب آقای رئیس، نمایندگان محترم، واقعاً تصور می کنم شاید يك عمده ی بوده است که جناب آقای زهتاب فرد دیر تشریف بیاورند و اجباراً دو نفر یزدی را در برابر هم قرار بدهند ولی معذالك خوشوقتم که ضمن دفاع از این بودجه یعنی بیان طرفداری و پشتیبانی از این بودجه بچند مطلبی که هم شهری و دوست عزیزم جناب حکمت یزدی بآن اشاره فرمودند مختصراً جوابی بدهم دیروز موقعی که لیدر محترم اقلیت دوست شریف همه جناب را امید اینجاصحبت کردند و مفصل هم صحبت کردند و خیلی هم شیرین بود در آخر بیاناتشان يك مقداری احساساتی شدند و باصطلاح بطور دراماتیک فرمودند که نباید اکثریت از فرمایشات ایشان برنجدا ی دولت آزوده خاطر شود تصور نمیکنم چنین چیزی لااقل در این چندسالی که بنده افتخار نمایندگی مجلس را دارم بهیچوجه پیش آمده باشد چندین بار جناب آقای نخست وزیر پشت همین تریبون فرمودند حزب ایران نوین و بخصوص خود ایشان عاشق افکار خود نیستند و اضافه کردند که هر بار لایحه ای بساحت مقدس مجلس شورای ملی تقدیم شد بمراتب بهتر از آن چیزی بود که بصورت قانون بدولت ابلاغ شد این بطور ضمنی میگوید که دولت از نظرانی که در مجلس

نسبت ب لایحه داده شده استفاده کرده و کراراً آقای نخست وزیر در جواب خود آقای رامبد تشکر کرده اند که بعضی نکات را بما گوشزد می کنید و ما در عمل میتوانیم استفاده کنیم و در آینده می توانیم بودجه های بهتر و لوایح بهتر بمجلس تقدیم کنیم پس از خرده گیری بهیچوجه رنجشی نداریم دوست عزیزمان آقای حکمت یزدی فرمودند شاید صلاح نباشد که نماینده ای بنمایند دیگر جواب بدهد هر کس باید نظر خودش را در اطراف بودجه ای که مطرح است بیان کند متأسفم که باید بگویم این باب را حزب محترم شما افتتاح کرده و ماحتی بشهادت لیدر محترم اکثریت تصمیم داشتیم و هنوز هم داریم که هر کدام يك قسمتی از این بودجه بزرگ را تجزیه و تحلیل کنیم و در تمام مراحل وارد نشویم که خدای نکرده اگر اطلاع ناقص یا نیمه کاملی بدست ما داده بودند در موقع بیان خطاب کنیم و انهامی بدولت وارد کنیم که دولت سهل انگاری کرده است و بیاباندازه کافی، خودش نوشته خودش را، مطالعه نکرده و امثال اینها بهر حال بودجه که آنقدر هم حجمش بزرگ است هم اقلیت وهم اکثریت باین مطلب اشاره کردند برای هیچکس میسر نیست که در تمام موارد آن مفصل تشریح کند ولی بودجه نمودار فعالیت دولت است و دولت فعالیتش در رشته های بسیار وسیعی است که همه آنها قابل بحث است اما قبل از اینکه وارد آن قسمتی از شرح بودجه که بنده با اجازه همکاران گرامی میخوام قسمتی از وقت گرانهای شما را بگیرم بشوم باید اشاره کنم به مطالبی که دوستان اقلیت فرمودند نه از لحاظ جوابگوئی چون بنده مثل دوست عزیزم جناب حکمت معتقدم که نماینده بنمایند دیگر جواب نمیدهد واقعاً استنباط خودم را درباره مسطلی که اقلیت بیان کردند اینجا بیان میکنم اگر بخوام وارد جزئیات بودجه بشوم در حقیقت کار دوباره کرده ایم زیرا ما در ضمن کارمان در مجلس شورای ملی موقعی که لوایح مطرح میشود فرصت کافی داریم که موشکافی کنیم جزئیاتی را که در لایحه مطرح است اگر بخوایم در بحث بودجه هم همان حرفها را بیاوریم دوباره کاری است. بودجه يك امر کلی است یعنی سیاست کلی و اداری و مالی مملکت را روشن می کند اگر درباره آن حرفی داریم کاملاً بجا است و

وظیفه قانونگذاری ما است که اینجا بیان کنیم بنده واعظ بلا متعظ نمی شوم و نمیخوام وارد جزئیات بودجه بشوم جناب حکمت یزدی که بعلمت خستگی از جلسه خارج شدند و بینده یادداشتی هم دادند آنچه اینجا بیان میکنم بعد هم خصوصی خدمتشان عرض می کنم اگر این مسائل جزئی که وارد بحث بودجه شده واقعاً بصورتی که بیان میشود ادامه یابد خدای نکرده کسانی که در خارج از مجلس هستند تصور میکنند مسائلی که در مجلس شورای ملی مطرح شده در همین حدود است و برایشان ایجاد سوء تفاهمی میکند که در شأن مجلس نمیباشد از فرمایشات ایشان چند یادداشت کرده ام که بعرض میرسانم جناب حکمت گفتند که پزشکان دارای حق ویزیت مختلف هستند و بعضی از آنها فوق العاده شاق و کمر شکن است بنده معتقدم بجای اینکه ببینیم نرخ ویزیت هر طبیب چقدر است شاید بهتر باشد که ببینیم دولت ما چه می تواند بکند برای بوجود آوردن وسائل درمانی مردمی که شاید باندازه کافی در آمد نداشته باشند از درمان کلی و عمومی محروم نشوند در همه جای دنیا رسم است که طبیب نسبت بتخصص خودش و نسبت بزحمتی که کشیده است برای خودش يك نرخ می گذارد البته این نرخ نباید از حدود مععارف خارج شود و این کار نظام پزشکی است که جدیت دارد اگر تخلفی شد البته بآن میرسد ولی واقعاً يك مریض چگونه می تواند با پزشك چانه بزند بنده که خودم هیچوقت این کار رانمی کنم. يك مریض که قلب و ریه و تمام جوارح بدن خود را در اختیار طبیب می گذارد نباید با خرده گیری از سیاست مالی آن طبیب و حق ویزیت آن طبیب او را از خودش دلسرد کند اینجا مسئله جان و سلامت است اطباء باید باندازه کافی در آمد داشته باشند و مرضی استطاعت رفتن پیش طبیب را و دولت هم در فکر این کار هست ببیند اینهمه برنامه های درمانی و بیمه های درمانی که روز بروز اضافه میشود بخودی خود که انجام نشده اینها در اثر يك سیاستی بوده است که دولت دنبال کرده و دنباله گیری این سیاست بسیار مفیدتر است از اینکه از دولت بخواهیم برای اطباء يك نرخ خاصی بگذاریم که احتمالاً مورد موافقت گروه پزشکان

هم نباشد حتی درمالکی که بیمه‌های بهداشتی عمومی و ملی هم دارند اطمینانی هستند که نسبت بتخصص خودشان نرخهای مختلفی دارند مسئله دیگری که جناب حکمت اشاره کردند مسئله وکیل تسخیری بود که بین الاثین جوابهایی داده شد بایشان و این هم از آن مسائلی است که دولت در فکرش هست چون سالها بوده است که وکلاء مجبور بودند يك و کالتی را قبول کنند بدون پاداش دولت ب فکر افتاده که برای این ها هم پاداشی بدهد حالا نرخش چقدر باشد آنها هم بالاخره مطالعه میشود و يك نرخ عادلانه‌ای در نظر گرفته میشود و این موضوع بتدریج درست میشود مسئله دیگری که آقای حکمت اشاره کردند اوضاع جوی بود و اینکه دو مسئله که در برابر هم گذاشتند که اگر ما نمیخواهیم از وسائل تکنولوژی استفاده کنیم پس باید برویم دعا بکنیم برای باران البته دعا کردن عیبی ندارد و خیلی هم خوب است و ایمان آدم را هم قوی میکند حتماً مفید است و اما از تکنولوژی هم استفاده میشود متأسفم که خدمتان عرض کنم که در شهر خود من و ایشان یزد تشریف نداشتند در جلسه‌ای که عرض کردم در همین شهر خودمان جناب دکتر مرشد هم شاهدند هر چند سالی يك طوفان سیاهی می‌آید شهر را در تاریکی چندین ساعت فرو میرود و این اتفاق هم ۸۷ و ۱۰ بار در بهار اتفاق می‌افتاد ولی الآن چند سال است که با استفاده از وسائل علمی و درخت کاری استفاده شده و با کاشتن درختها در مسیر این طوفانها، این طوفانهای سیاه دیگر بکلی از یزد رخت بر بسته است پس در حالیکه ما از وسائل تکنولوژی استفاده میکنیم و در حالیکه باید از تمام امکانات مالی و علمی استفاده بکنیم و دولت هم مرتب مشغول استفاده کردن از این وسائل است نباید پنهان کنیم که اوضاع جوی خیلی موثر است مسلم است در تمام ممالک دنیا همینطور است شما ببینید بکدغه در انگلستانیکه مرتب باران می‌آید اگر دو هفته باران نیاید اعلام خطر میکنند خطر خشکسالی و آب را هم جیره بندی میکنند در جنوب غرب امریکا هم همینطور نواحی بوده معروف که خاکزارهای بزرگ بوده و حالا با وسائل علمی يك مقداری کمک کرده‌اند و مقداری جلورنگهای روان را گرفته‌اند اما باز هم هنوز خشکسالی میشود با

وجود اینکه همه گونه امکانات مالی و فنی دارند نمیتوانند جلو اوضاع جوی را بگیرند در صورتیکه دلشان میخواهد بگیرند پس واقعاً این ایرادات را نمی‌شود دولت گرفت چون اگر انتقاد از بودجه دولت است اگر انتقاد از سیاست عمومی و کلی دولت است این مسائل بکلی ارتباطی با آن ندارد اما اگر بجای اینکه بگوئید چرا اصلاح خشکسالی بوده و زراعت دیم باندازه کافی نبوده بیایند بگویند از وسائل تکنیکی و فنی شما امروز چه استفاده‌ای کرده‌اید آنوقت دولت جواب میدهد اکثریت هم جواب میدهد اما بصرف اینکه دولت اشاره کرده بخشکسالی و بایک بودجه خاصی را برای کمک بمناطق خشک یا باصطلاح خشکسالی داده اینجاعنوان کرده این نمیتواند مورد ایراد قرار بگیرد و واقعاً يك نوع بی انصافی است بنده همانطوریکه عرض کردم سیاست کلی ما و حزب اکثریت در این بوده است که واقعاً از لحاظ کلیات و در سطح عمومی مملکت این بودجه را بررسی کنیم و اگر نکات برجسته‌ای دارد آنرا بیان کنیم و از آن دفاع کنیم باین مناسبت بنده واعظ غیر منعظ نمیشوم و میردازم بآن قسمتی از بودجه که نظر بنده را جلب کرده و فکر میکنم که حتماً باید اینجا در ساحت مقدس مجلس شورای ملی صحبت‌هایی بشود جناب رامبد در پایان صحبتشان که عرض کردم بصورت دراماتیک هم بیان شد خیلی تعریف کردند و اظهار خوشوقتی نمودند که در سیاست خارجی و همچنین سیاست تدافعی مملکت دولت موفق بوده و این افتخار را مسلماً تحت رهبری شاهنشاه آریامهر دولت جناب هویدا دولت حزب ایران نوین توانسته است بدست بیاورد و در این جا خوشوقتم که ایشان انصاف بخرج دادند و مطلبی که در فکرشان بود بیان داشتند (فرهادپور - همیشه منصفند) (الموتی - البته بنظر شما) اما بنده اجازه میخواستم که اشاره کنم ببینیم که آیا این سیاست خارجی مملکت ما که مورد تأیید و تحسین ایشان است و همچنین سیاست تدافعی ما که با سیاست خارجی ارتباط میتیم دارد چگونه بدست آمده آیا فعالیتی بوده آیا اجرای سیاست‌های خاصی بوده که مملکت ما را تا این حد موفق کرده یا خودش خود بخود انجام شده بنده در اینجا اشاره میکنم به آن چیزی که همه نمایندگان محترم با اسمش

آشنا هستند و آن عبارتست از سیاست مستقل ملی و ثبات سیاسی که دولت شاهنشاهی ایران از آن برخوردار است سیاست ملی و سیاست خارجی ایران هم در سال گذشته و هم در سالهای گذشته که اثرات آن بتدریج در اعمال دولت و رویه‌ایکه دولت اختیار کرده نمایان گشته اولین چیزی که ما بآن بر میخوریم این است که سیاست ملی ایران یعنی سیاست دولت متکی بوده است بر اصل همزیستی یعنی در حقیقت سیاست مستقل ملی و همزیستی را نمیشود از یکدیگر جدا کرد چون اگر ما نمیتوانستیم دارای سیاست مستقل ملی باشیم شاید از لحاظ ترکیبات سیاست‌های دنیا همزیستی هم برای ما میسر نبود کما اینکه در سالهای خیلی قدیم برای ما همزیستی بمعنی واقعی میسر نبود و میبایستی حتی برخلاف مصالح عمومی مان يك سیاست‌های خاصی نسبت ب بعضی از کشورها اعمال کنیم که شاید نتیجه‌اش خیلی هم خوب نبود اما وقتی اصل همزیستی را پذیرفتیم آنوقت میتوانیم سیاست مستقل ملی را واقعاً پیاده کنیم یعنی بگوئیم آن کاری را انجام میدهم که برای ملت ایران و کشور شاهنشاهی ایران مفید است نه آنچه که ممکن است نظر بعضی از کشورهای دیگر را تأمین کند این در حقیقت معنی واقعی سیاست مستقل ملی است که ارتباط مستقیم دارد با همزیستی زمانی بود که دولت ایران دارای سیاستی بسیار محدود بود یعنی ارتباطات خارجی ایران با کشورهای دیگر محدود بود اما امروز می‌بینیم که مادر تمام مسائل سیاسی دنیا ذی‌نظر هستیم یعنی هیچ‌قاره‌ای در عالم نیست که دولت شاهنشاهی ایران برای خودش منافع خاصی در آن در نظر نداشته باشد مادر تمام دنیا و در تمام فعالیتها و سازمانهای بین‌المللی شریک هستیم امروزه می‌بینیم که دولت ما دولتی است که در دنیا با کمال سربلندی میتواند اظهار عقیده بکند (صحیح است) و حتی رهبر عالیقدر ما در مقام نصیحت میتواند بسیاری از ممالک دیگر که یا در دردیف ما هستند یا حتی از نظر درجه قدرت پیشرفته‌تر هستند اندرز بدهند و راهنمایی بفرمایند چرا اینطور است برای اینکه سیاست مستقل ملی ما نتیجه مفید و مثبتی بدست داده است صحیح است امروزه جوانان ما در تمام نقاط دنیا سربلندند این همه محصلین و دانشجویانیکه در خارج داریم می‌بینیم که

همه با نهایت سربلندی در هر جا که هستند تحصیل میکنند بجز عده بسیار معدودی که گمراه هستند و باید آنها را هدایت کرد اکثریت قریب باتفاق مفتخرند که ایرانی هستند مفتخرند که دارای دولتی هستند که مورد حمایت و پشتیبانی و تفقد شاهنشاه آریامهر است (صحیح است) این دولت پاسدار انقلاب این لقب را بی‌جهت نگرفته است برای اینکه آنچه که واقعاً سیاست اساسی شاهنشاه ایران را تشکیل داده نه فقط پشتیبانی از آن دارد بلکه افتخار اجرای آنرا دارد (آفرین) بنده خودم محصل بودم در خارج و یادم هست که محصلین ما می‌آمدند و با نهایت بدرفتاری با آنها رفتار میکردند در آن جزیره الیس آیلند در ساحل نیویورک آنها را حبس میکردند که چرا شما ویزایتان تاریخش این است؟ چرا در دروسی که خوانده‌اید بکدانه نمره‌اش کم است؟ چرا اینطور آمدید؟ و چرا اینطور رفتید؟ در صورتی که این ویزا را خودشان امضاء میکردند یا در ممالک دیگر هم بدرفتاری میکردند و با سوءظن نسبت بآنها رفتار مینمودند اما امروزه اینطور نیست امروزه می‌بینیم که این جوانان ما از بهترین وسائل موجود استفاده میکنند دستگاهی که دولت ایران برای حمایت از دانشجویان در خارج دارد واقعاً افتخار آمیز است (صحیح است) بنده نمی‌خواهم اسمی از افراد ببرم چون نمایندگان محترم بخوبی میدانند آن اشخاص چه کسانی هستند کسانی که در رأس این دستگاه‌ها امور حمایت از دانشجویان هستند بوضع این دانشجویان میرسد و آنچه‌ای که برای آنها تمام وسائل ممکن را فراهم میکنند سیاست عمومی و سیاست خارجی مملکت بوده امروز نتیجه‌اش را در یکی از این دستگاهها که جوانان باشند می‌بینیم جوانان ما کسانی هستند که آتیه مملکت بردوش آنها است و باید راضی باشند و باید مرفه باشند و باید بتوانند در هر رشته‌ایکه مشغول تحصیل هستند خوب تحصیل کنند یعنی باید مشکلات را از جلو پای آنها برداشت و ضمناً باید آنها را با اموری که در کشور ما میگذرد آشنا کرد دوست عزیز من جناب دکتر فروزین در پشت این تریبون واقعاً درست بیان کردند که ما باید حتی المقدور تمام اموری را که در کشورمان میگذرد، برای جوانانمان در خارج از کشور تأمین بکنیم و آنها را در جریان بگذاریم آنها افرادی از

ملت ایرانند که موقتاً خارج از ایرانند از اجزای این ایران بزرگ و متعلق به این بیکرو اجزاء مختلف این بیکر بزرگند پس باید همیشه بدانند که در خانه آنها چه میگردد در سابق اینطور نبود متأسفانه سابقاً برای دانشجویان و مسائل باندازه کافی نبود و اصلاً آنها را بحساب نمی آوردند یعنی آنها را محصلینی که آمده اند درس بخوانند و بروند محسوب میداشتند و نه بعنوان کسانی که دارند خودشان را برای گرداندن چرخهای عظیم این مملکت آماده میکنند (آفرین) این جا تفاوت هست سیاست خارجی ایران و آنچه که ما امروز بآن افتخار میکنیم بطرق مختلف در دنیا اعمال میشود و جلوه گر میگردد. بینیم آیا دولت ماسیاست خارجی خودش را چگونه اعمال میکند مثلاً شروع میکنیم در سطح بین المللی بطور کلی و در سازمانهای بین المللی بینیم دولت ما در شروع کار سازمانهای بین المللی بعد از جنگ جهانی دوم تاکنون چه تفاوتی پیدا کرده آیا ما همانیم که منشور ملل متحد را در سال ۱۹۴۵ امضاء کرده ایم یا چیز دیگری هستیم امروزه در سازمانهای بین المللی نه فقط دولت ایران عضویت دارد بلکه در بسیاری از آنها جنبه ارشادی و رهبری هم دارد (صحیح است) بینیم سیاست مداران و نمایندگی های سیاسی ایران در خارج در سازمانهای بین المللی چه فعالیتهای زیادی دارند اینها همه برای این است که دولت ایران دارای سیاستی مثبت و در عین حال ثابت است شما دیدید چندی قبل هنگامیکه میخواستند برای جانشینی نماینده کانادا در کمیسیون نظارت بر آتش بس و صلح ویتنام نماینده کشوری را انتخاب بکنند همه بسراغ نماینده ایران آمدند درست است آن شخص که آن جا است دارای سوابقی در مجامع بین المللی است ولی مسلماً اگر ایرانی نبود همان شخص در آنجا اعزام نمیشد (صحیح است) این برای آن بود که دولت ایران دارای چنین اعتبار و توفیقی شده که در سطح جهانی و بین المللی بنظر آندولت و نماینده های آن دولت احترام میگذارند حالا این سیاست صحیح برای اجرائیش البته هزینه هائی هم لازم دارد که این همان است که در این بودجه منعکس شده من نمی خواهم به اعداد برگردم چون قرار شد درباره جزئیات صحبت نکنیم ولی می بینم که در بودجه کل سیاست خارجی ماقط چهار

درصد افزایش یافته یعنی همه این افتخارات که عرض کردم و روز بروز بیشتر میشود با افزایش چهار درصد برای ما میسر شده علنش این است که آن کسانی که مأمور اجرای این سیاست هستند درست کار میکنند (صحیح است) و برعکس دوستان عزیزمان که معتقد بودند گاهی دولت و لخرجی میکند در صورتیکه اینطور نیست اگر دولت میخواست و لخرجی بکند و سیاستی را که دولت ایران امروزه در دنیا دارد اجرا بکند هزینه خیلی بیشتری لازم داشت. بادم هست روزی محصل بودم و غبطه میخوردم که واقعا هروقت صحبت از يك ملت صلحدوست میشود یا نماینده ای از يك کشور صلحدوست میخواهند برای ریاست يك کمیسیون انتخاب بکنند همه اش بسراغ کشورهای اسکاندیناوی میروند من بعنوان محصل و کسیکه مدتی در سازمان ملل کار کرده در حسرت بودم چرا باید همه اش بروند نماینده سوئد را پیدا کنند که رئیس فلان کمیسیون بشود حالا می بینیم که اسکاندیناوی هم امتیاز خیلی زیادی ندارند خیلی کشورها هستند که سابقه کمتر در سیاست بین المللی دارند مثل خودمان الآن همانطوریکه میدانید یکی از بزرگترین نهضت های که در دنیا برپا شده نهضت ضد استعمار است و در این نهضت دولت ایران پیش قدم بوده است آن کمیسیون ۲۴ نفری که در سازمان ملل متحد برای رسیدگی بوضع سرزمینهای غیر خود مختار و رسیدگی به بقایای استعمار از نواحی مثل افریقا و غیره بوجود آمده دولت ایران عضو است و ما تقاضا نکرده ایم که عضو باشیم از دولت ایران تقاضا شده است یعنی تشخیص داده اند که دولت ایران سیاست خودش را بر اساس صلحدوستی و همزیستی قرار داده این افتخار آمیز است برای این برنامه و چنین سیاستی هرچقدر خرج کنیم کم است چرا اینها را نگوئیم و چرا بیاییم بگوئیم در فلان برنامه کشاورزی در فلانجا مثلاً يك اتومبیل جیب اضافه خریده شده یا فلان لوستری فلان قیمت خریده شده این در برنامه اثر ندارد اینها جزئی است این مسأله مهم نیست مسأله اینجا است که وقتی میخواهیم سیاستی را اعمال کنیم و میخواهیم مملکت خود را با آخرین درجه ای که میتوانیم برسانیم که جناب نخست وزیر وعده دادند در چند سال آینده جزء چند

کشور بزرگ دنیا می شویم از لحاظ سیاست خارجی و تدافعی در تمام جوانب و اطراف خود ماحتی در اقیانوس هدم نظر خواهیم داشت آنوقت است که می بینیم پولی که خرجش میشود صحیح است یا نه این مهمتر است از اینکه بینیم برای آبیاریها چند خرج شده اگر برای آبیاری جیب خریده یا در اطراف وزیر يك قالی و لوستر کمتر داده شده یا بیشتر بوده اینها جزئی است اینها با سیاست کلی مملکت هیچ ربطی ندارد (فرهادپور - بنظر شما اینها جزئی است) همچنین در مسائل مادی و معنویات شما دوستان اقلیت قبول میکنید که دولت ایران یکی از پیشقدمان و قهرمانان حمایت از حقوق بشر است قبول میکنید و در سازمانهای بین المللی چند سال پیش بیستین سال اعلامیه حقوق بشر در همین سالن پشت عمارت مجلس شورای ملی جشن گرفته شد و همه متفق بودند که این جشن در ایران گرفته شود حتماً برای اینکه ایران از اول از زمان سیروس تا دوره معاصر دولت اساس کارش را بر عدالت گذاشته است.

در زمان معاصر هم همیشه دولت اساس سیاست خودش را بر عدالت و احترام حقوق بشر قرار داده است این است آنچه که دولت مادر صحنه بین المللی از خود نشان داد و روز بروز هم گسترش پیدا کرد و روز بروز هم دارد گسترش پیدامی کند و اضافه میشود. بخصوص که ما بتدریج دارای يك نیروی انسانی مجرب و ورزیده می شویم و ما می بینیم که در کادر سیاسی وزارت امور خارجه و نیز در دولت روز بروز افراد تحصیل کرده و باتجربه اضافه میشوند در همین خصوص در جای دیگری مفصلاً عرض خواهم کرد. از صحنه بین المللی و مجامع و سازمانهای بین المللی که کنار برویم و بنقاط مختلف و منطقه های دنیا بپردازیم باز دولت ایران دارای سیاست افتخار آمیز بوده است خوبست اول با کشورهای همسایه شروع کنیم. ببینید که آیا در روابط با کشورهای همجوار ما در سالهای گذشته تاکنون چه پیشرفتهائی بوجود آمده است و برای این پیشرفت ها دولت ایران چه کرده اول همسایه مشرق ما افغانستان - دوستان عزیز که از نواحی مشرق کشور به اینجا تشریف آورده اند میدانند و بیاد دارند که چه ناراحتی های مرزی بین ایران و افغانستان وجود داشت - و سالها بود که این مسأله مورد اختلاف مرزی

بصورت يك مسأله لاینحل مانده بود. ولی با بکار بردن سیاست همزیستی صحیح و اینکه تمام ممالک اطراف ما متوجه شدند که این سیاست واقعا اصل است و کاسه ای زیر نیم کاسه نیست، آنوقت آنها هم بفکر همکاری با ما افتادند و بعد از چندین سال مسأله هیرمند بصورت مرضی الطرفین حل شد و امروز دولت شاهنشاهی ایران با افغانستان در حال دوستی و مؤدت در جوار همدیگر زندگی می کنند (احسن) همچنین در شمال کشوری داریم بسیار قوی که یکی از ابر قدرتهاست ولی دولت ایران بر اساس حاکمیت در تساوی با شوروی رفتار می کند (احسن) اینجا دیگر جنبه قدرت نیست جنبه حاکمیت است و جنبه داشتن يك سیاست جدید همزیستی که نه آن کشور قوی احساس ناراحتی از طرف همسایه اش بکند و نه کشوری که قدرتش کمتر است دائماً از آن کشور قوی بیم و هراس داشته باشد. و بجای اینکه دائماً در فکر اتخاذ سیاستی که فقط جنبه تدافعی داشته باشد باشیم بفکر سیاست بسط روابط و گسترش سیاست پیشرفته هستیم. یعنی بجای اینکه چیزی از همدیگر پنهان کنیم در زمینه های اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر همفکری و همکاری می کنیم (آفرین) باین مناسبت آنچه ما داریم و مورد احتیاج آنهاست در اختیارشان میگذاریم و آنچه آنها دارند و ما احتیاج داریم از آنها می گیریم. چه عیبی دارد؟ در گذشته ممکن نبود چون سیاست همزیستی و يك سیاست مستقل ملی که همه دنیا آن را شناخته باشند وجود نداشت. اینهم مسأله مهمی است. یعنی باید ما سیاستی داشته باشیم که آن سیاست را همه شناخته باشند و با آن سیاست آشنا باشند. شاید در گذشته همین صحبت ها را هم بارها کردند ولی نتیجه نگرفته اند. امروزه این صحبت ها را می کنیم برای اینکه دولت و ملت ما متکی به رهبری بزرگ و خردمند یعنی شاهنشاه است. و ملت ایران هم از این موهبت قدر دان است و میتواند مطمئن باشد که دولت او، تمام منافعی را در نظر دارد و اگر بایک کشور قوی صحبت کرد این صحبت بر منافع متقابل و حاکمیت متساوی استوار است. همین پاکستان کشور مسلمان و برادر ما، می بینید که نه فقط ما با این همسایه مخالفتی نداریم بلکه در همه مواردی

که بیکدیگر احتیاج داشته باشیم در جوار هم از همدیگر پشتیبانی می‌کنیم. فکر نمی‌کنم تمام آن مواردی را که سیاست دوستانه بین ایران و پاکستان است من در اینجا باز گو کنم چون خیلی روشن است و لازم نیست در اینجا تذکری بدهم، همه میدانند که رویه شخص اول مملکت ما و دولت شاهنشاهی ایران نسبت بدولت پاکستان چیست؟ و نه فقط در عهدانی که نسبت بیکدیگر داریم بلکه اساساً بطور طبیعی این همبستگی و برادری وجود دارد. همچنین در خلیج فارس، می‌خواهیم که سیاست ایران در خلیج فارس نه تنها فقط حفظ شود بلکه در تمام دنیا شناخته گردد. یعنی نباید هیچ مملکتی هر قدر قوی باشد، تصور کند که در خلیج فارس میتواند سیاستی را اعمال کند که آن سیاست خدای نکرده کوچکترین ناراحتی برای منافع عمومی ایران و مردم ایران داشته باشد. و این مسأله کراراً بوسیله دولت و شاهنشاه بزرگ مامطرح شده است و امروزه همه آنرا تشخیص داده‌اند یعنی در دنیا کسی نیست که نداند سیاست ایران در خلیج فارس چیست؟ همه میدانند، احترام متقابل با کشورهای همجوار ولی در عین حال اجازه ندادن بدخالت در سیاستی که مربوط بکشورهای خلیج است یعنی تصور نشود نمیشود که اگر روزی قدرتی آنجا بوده و امروز از آن خارج شده قدرت دیگری میتواند جای آنرا بگیرد (احسن) اینست که می‌بینیم این سیاست و این روش چه اندازه در سایر شئون مملکت ما مؤثر واقع شده است اخیراً همه دیدیم توفیقی که در اوپک و در سیاست نفت تحت رهبری شاهنشاه آریامهر برای این کشور بدست آمد. این ارتباط دارد با سیاست مستقل ملی، این ارتباط دارد با روشن بینی و روشن بودن سیاست عمومی کشور ما که در همه دنیا همه میدانند منافع ایران بهیچوجه من الووجه با سیاستهای خاصی قابل تغییر نیست این توفیق حتی برای کشورهای دیگری هم که در این ناحیه از دنیا - خلیج فارس اسم بردم اثرات نیکویی داشته و اینها میدانند که دولت ایران نمیخواهد منافع دیگری را بخاطر بیندازد بلکه هر سیاستی که اتخاذ میکند مفید بحال همسایه‌ها هم بوده است. برای اینکه ما در تمام اطراف کشورمان نه تنها یکی بعد از دیگری از ما هراسی نداشته

تربیت دیپلمات ما بنحوی که خودمان با تمام نقاط دنیا تماس داشته باشیم، دیپلمات آماده کنیم بخصوص کشورهایی که در کشور ما دارای نمایندگی سیاسی هستند و مادر آنها بجهاتی تاکنون نمایندگی سیاسی نداریم، در شأن دولت شاهنشاهی ایران است که با موقعیتی که امروزه ما در دنیا داریم جانی باقی نماند که ما در آن نمایندگی سیاسی نداشته باشیم. یعنی باید هر چه زودتر در ممالکی که دولت ایران میتواند خودش را بشناساند و پیشرفتهای مملکت ما را بتواند نشان دهد و مقام نمایندگی ایران را داشته باشد، نماینده سیاسی بفرستیم (یکی از نمایندگان اقلیت - تذکره همین بود؟) ببینیم که امکانات وزارت امور خارجه ما با ۴ درصد افزایش بودجه که میبایست این سیاست بزرگ را اجرا کند چه بوده و آیا دولت ایران موفق بوده در افزایش این امکانات یا نه؟ اول ببینیم در نیروی انسانی همین دیپلمات‌ها چه تغییری پیدا شده؟ چندماه پیش بود که در اینجا اسانامه تشکیلات اداری وزارت امور خارجه را در کمیسیون امور خارجه مجلس تصویب کردیم. در خود آن اسانامه مشاهده بود که امروزه دیگر سیاستمداران ما برای ارتقاء و ترفیع نمی‌توانند متکی به سنین خدمت یا بستگی به خانواده‌هایی خاص داشته باشند. امروزه سیاستمداران ایرانی باید روی پای خودشان سیاستمدار شده باشند و باید لیاقت داشتن آنرا هم احراز کرده باشند. باین دلیل در آن اسانامه گنجانده شده که باید برای وزارت امور خارجه مؤسسه‌ای باشد بصورت دانشکده یا مؤسسه علمی که دیپلمات‌های ما در آنجا تربیت شوند و معلومات دیپلمات‌های ما را در آنجا تقویت و تکمیل کنند و افکار جدید و اطلاعات تازه‌ای را در دسترس آنها بگذارند. بسیار خوشوقتم که چنین مؤسسه‌ای تشکیل شده است و بسرعت هم دارد ترقی می‌کند و هم اکنون از عده زیادی از دانشمندان و سیاستمداران و بزرگان سیاسی کشورهای دیگر دعوت شده است که بیایند در این مؤسسه شرکت کنند و برای ما اطلاعات تازه‌ای بیاورند و این یکی از اقدامات بزرگ و مفیدی که از قدم‌های مثبت وزارت امور خارجه است. می‌خواهید باز هم ایراد بگیرم؟

من معتقدم که برای کارمندان وزارت امور خارجه باید وسائل بهتری تهیه کنیم و وسائل موجود کافی نیست و دولت با وجود اقدامات زیادی که کرده هنوز هم جای کمک و افزایش این وسائل هست. در دنیا نمایندگان سیاسی ما، نمایندگان کشور ما هستند نمایندگان وزارت خارجه تنها نیستند. یعنی دیپلمات ایرانی باید در ردیف دیپلمات‌های دیگری که از کشورهای مترقی دیگر می‌آیند کمتر نباشد بلکه باید دارای مقام محرزی باشند. این معنی ندارد که در یک سفارتخانه فقط یک وسائل مختصری برای شخص سفیر فراهم شود ولی هیئتها بعد دارای زندگی بسیار پائین تری باشند. باید دیپلمات‌های مادرای زندگی مرفهی باشند تا تمام هم خود را صرف کسب و فرا گرفتن اطلاعات جدید بکنند که برای بالا بردن مقام ایرانی در کشورهای دیگر لازم است. اما اگر قرار باشد آنها بفکر زندگی و مسکن و غیره باشند مسلماً این وظیفه را بخوبی انجام نمی‌دهند. من بدولت هویدا توصیه می‌کنم که حتماً برای تأمین زندگی و رفاه حال کارمندان وزارت امور خارجه بخصوص در خارج از کشور تجدید نظر کند. من بچشم خودم دیدم که زندگی بعضی از دیپلمات‌ها واقعاً درخور شأن یک دیپلمات ایرانی نیست و همچنین افراد تحصیل کرده. عرض کردم که امروز دیگر ترقیات مربوط بروابط خانوادگی و یاسنین خدمت نیست و کافی برای استخدام در وزارت امور خارجه نمی‌باشد. گذشت آن زمان که برای دیپلمات شدن دانستن اسم چند پیر کافی بود! امروزه یک دیپلمات ایرانی باید با این اصطلاح اسم چند پیریک شوخی بود که بین دیپلمات‌ها مرسوم بود بهر حال امروز ما می‌بینیم که تحصیل کرده‌های زیادی هستند که با در دانشگاه‌های ایران یا در دانشگاه‌های خارج تحصیل کرده‌اند و به این وزارتخانه جلب میشوند و این واقعاً یک قدم صحیحی است که برداشته شده است برای افراد تحصیل کرده که از اول آنها این فکر را نکنند که با وجود تحصیلات خوب و اطلاعات کافی چنین ارتباطی با مقامات خاص ندارند جانی برای آنها در وزارت امور خارجه نیست. اینها تفاوت‌هایی است که

ما می بینیم که دولت ما امروز برای پیش بردن این سیاست روز بروز بیشتر می رود. یعنی یکی از سیاست هائی که دولت اتخاذ کرده برگرداندن تمام تحصیل کرده ها به کشور است. همین است که باید در بین آنها کسانی که می آیند واقعاً این فکر برایشان پیدا نشود که باید در یک رشته های خاصی بکار گمارده شوند بلکه باید بدانند که در تمام مقامات برایشان جا باز است. بهمین جهت است که می بینیم در همین فاصله کوتاه چه مقداری از دیپلمات های ما و کسانی که در وزارت امور خارجه هستند از دسته های بین المللی بعنوان کارمند مورد استفاده قرار می گیرند و هیچ دست کمی از دیپلمات های کشورهای دیگر ندارند. در همین آمار وزارت امور خارجه دیدم و خیلی خوشوقت شدم و آن اینکه ایران در خیلی از تأسیسات دیگر بین المللی فعال است مثلاً ایران جزو ۵۵ کشوری است که عضو سازمان تجارت و توسعه است یا در گروه ۷۷ کشوری است که در حال توسعه فعالیت دسته جمعی دارند ایران هم جزو آنهاست و در بسیاری از سازمانهای بین المللی امروزه می بینیم که دیپلمات های ما واقعاً شاخصند یعنی می روند نظر میدهند و مورد احترام هستند و این چیزی نیست مگر اینکه آمدند و هیچکس هم نگفت پدرتان چه کسی است در کدام مدرسه تحصیل کرده اید اگر دارای لیاقت بودند واقعاً جای خودشان را در آنجا باز میکنند مثلاً می بینیم که ابتکارائی در دنیا پیدا میشود یک سیاستمداری در یک نقطه عالم میگوید که اگر برای کمک اقتصادی بسرزیمینهای در حال توسعه چنین روشی را داشته باشیم بهتر است اما مختصری درباره اش بحث میشود ولی زیاد توجه نمی شود چرا؟ برای اینکه معلوم نیست آن سیاستی را که بوسیله آن سیاستمدار اظهار شده واقعاً برای کمک به تمام دنیا است یا سیاست خاصی را برای آن کشور تأمین میکند این خیلی زیاد دیده شده کسانی که با سازمانهای بین المللی آشنا هستند این را میدانند که هر سال در مجامع بین المللی یک عده سیاستمداران برنامه و پیشنهاد میدهند ولی زیاد توجه نمیشود چون این سوءظن هست که شاید سیاستی که ابراز شده جنبه خود خواهی دارد اما چطور است که شاهنشاه ما در دانشگاه هاروارد نطقی ایراد میفرماید برای تأسیس لژیون خدمتگزاران

که همه دنیا استقبال میکنند (آفرین) پادشاهان دیگری هم هستند که چیزهائی میگویند ولی نظر شاهنشاه ما اثر دیگری از خود باقی میگذارد چرا. از این جهت است که میدانند لژیون خدمتگزاران بشر هیچ نفع خاصی را برای ایران در نظر ندارد البته نفع عمومی دارد چون ماهم عضوی از دنیاهستیم اما میدانید که دولت ایران دارای سیاستی است که این سیاست برای همه دنیا مفید است و این سیاست البته تحت رهبری شاهنشاه ابراز میشود و میدانند تضمینش هم در پشت آن هست یعنی دولت ایران خودش پیشقدم میشود و اولین لژیون را خود ایران بوجود میآورد اینها برای این است که عرض کردم سیاست ماسیاستی است که بکسی ضرر نمیزند و نمیتواند بزند چون بر اصل همزیستی متکی است مفید هم بحال دنیا نمیتواند نباشد خوشبختانه این سیاست نتیجه مثبت از لحاظ تأمین اعتبار بین المللی و همانطور که عرض کردم حاکمیت و احترام مقابله بوجود آورده احترام از این جهت که میتوانیم در تمام این مسائل بین المللی شرکت بکنیم و تریسی از اینکه در یک جائی منافعی را از دست میدهم نداشته باشیم در اینجا باید عرض کنم که دولت ایران برای نگهداری اعتبار سیاسی مملکت و حاکمیت آن همیشه ب فکر هست (احسن) واقعاً من خیلی خوشحال شدم در چندماه پیش نمی خواهم اسم ببرم چون واقعاً مقصود اسم بردن نیست چند وقت پیش دعوتی برای من آمد از یک سفارتخانه ای که روز ملی شان بود قبل از اینکه روز دعوت فرارسد بمن اطلاع داده شد بصورت تذکر که هم مقام بنده در آن کشور بخصوص روز جشن تولد اعلیحضرت همایونی شرکت نکرده. از گرفتن این خبر خیلی خوشحال شدم همیشه کسانی هستند که ب فکر هستند اعتبار کشور در شرایط بین المللی رعایت شود و بنده با کمال میل از رفتن بآن جلسه خودداری کردم و اگر هم از طرف دعوت کننده مورد ایراد قرار می گرفتم حرفی نداشتم که توضیح دهم (احسن) چرا؟ این نتیجه سیاستی است که دولت ما بدست آورده و ما با آن افتخار همستگی داریم و نتیجه رهبری صحیحی است که این دولت از شخص شاهنشاه میگیرد و برای اجرای این سیاست که چنین بودجه ای را دولت آورده است حالا آیا بجای اینکه ما سیاست کلی دولت را بشکافیم

و واقعاً اگر نکات مثبتی دارد که فراوان هم دارد و عرض کردم و بان افتخار میکنم و اگر ایرادی داریم تذکر میدهم و جناب نخست وزیر همیشه استفاده کرده اند اگر بیائیم بجزئیات بپردازیم صحیح نیست یعنی بنده واقعاً فکر میکنم این سیاست بودجه و این بودجه ای که شما برای بررسی داده اند بقدری خودش گویا از پیشرفتهائی است که تا حالا شده و یا از برنامه هائی که برای آینده ایران ترسیم شده یعنی واقعاً برای اینکه ما از آن مرز تمدن بزرگ بگذریم باید این سیاستها ادراک کنیم و باید از رویه هائی که برای اجرای این سیاستها پیشنهاد میشود حمایت بکنیم از این جهت است که بنده بعنوان یک فرد فقط نه بعنوان قائم مقام جنابعالی آقای دکتر المونی بعنوان یک فرد حزبی و نماینده مجلس واقعاً در اینجا حمایت اصیل و واقعی میکنم و میدانم که دولتی که خدمتگزار هست و مبعوث اعلیحضرت همایونی است حتماً از اجرای جزء بجزء این بودجه که تمامی آن گویای ترقیات گذشته و امیدهای آینده مملکت است غفلت نخواهد کرد، بنده بعنوان یکی از رأی دهندگان موافق باین بودجه خواهم بود از حوصله ای که فرمودید تشکر میکنم (احسن).

رئیس - آقای زهتاب فرد بفرمائید.

زهتاب فرد - با کسب اجازه از مقام محترم ریاست بلام و بلدییم و نه فقط بلام بلکه معتقدم بحرفهائی که اکنون همکار دانشمند و دوست ارزنده من آقای دکتر رشتی فرمودند، من و حزب مردم و تمام ملت ایران در این نوع مباحث و در این نوع یادآوریها و در این نوع مذاکرات هم عقیده و همگام و قلباً معتقدیم ایکاش رویه چنین بود که اقلیت یا حزب مخالف وقتی که میآید اینجا صحبت بکند صحبت را دو قسمت میکرد سه چهار ساعت درباره پیشرفتهای مملکت بحث میکرد تا دوستان اکثریت بدانند که ما به اصطلاح از پشت کوه نیامده ایم (احسن) ما هم همه این حرفهائی را که شما میزنید بجان و دل اعتقاد داریم ماهم محصول انقلاب و بهره مند از انقلاب در این نوع مسائل و برداشتهای مختلف دیدی نداریم کسی جرأت ندارد نه از اقلیت نه خدای نکرده یک فرد از ملت ایران که این توفیق های عظیم و

حیثیت افزای روز افزون را منکر شود ما باهم اختلاف نظر نداریم وقتی من میآیم اینجا صحبت میکنم گذشت آن دوره ای که آن وکیل مجلس که با اصطلاح خودش را آماده می کرد که هر چه مخالف گوید همه را تخطئه کند امروز حرفهائی اکثریت میزند که اقلیت تأیید میکند و چه بسا صدای احسن است آنان بلندتر از صدای همکار من عباس میرزائی عزیز است وقتی اقلیت صحبت میکند شما هم انصاف بدهید و قضاوت صحیح بفرمائید و گاهی ما را تأیید کنید زیرا همانطوریکه مقداری از صحبت های شما مقداری از حرفهائی که ما است قبول بکنید انصاف داشته باشید که اگر مقداری از حرفهائی ما مقداری از حرفهائی شما نباشد لا اقل مقداری از حرفهائی موکلین شما هست (احسن) من انتظار دارم ما انتظار داریم ملت انتظار دارد وقتی که نماینده اقلیت حرفهائی میزند خدای نکرده در مطبوعات، در تلویزیون، و در جوابهایتان چنین وانمود نشود که قصد تخطئه است و انشاء الله چنین نبوده و نخواهد بود یک حاشیه ای بروم در این انتخابات میان دوره اخیر جناب آقای هویدا توآنی توهمانی منم همانم که امروز وقتی در پای پلم مجلس شما برخورد کردم یک عبارات محبت آمیزی از جنابعالی شنیدم من همانم و شما همان هستید که از صندلی خود برای شما بعنوان سپاس جملاتی نوشتم که بروی هر کلمه اش ایمان دارم توآنی و من آنم که وقتی در اطاق نخست وزیری خدمت میرسم دوفری که در خدمتتان هستم در مقابل فضائل اخلاقی شما، روح آزادگی شما سر تعظیم فرود میآورم من همانم حال که اینجا بعنوان مخالف صحبت میکنم این دودوزه بازی کردن نیست حال که می خواهم اینجا صحبت کنم این باین معناست که ما در یک موقعیت استثنائی در یک موقعیت واقعاً تاریخی بیک توفیقات عظیمی نائل شده ایم ولی در کنارش قبول بفرمائید وقتی که سطح کارمان بالا و عظیم باشد اشتباهات و ندانستن ها احتمالاً دیده میشود این مسئولیت و مأموریت اقلیت است که این اشتباهات و نارسائی ها را یادآور شود برداشت و دید من به شخص جنابعالی بادید آن همکار زاننده آذربایجانی مطابقت میکند که قصه اش را عرض میکنم در همین انتخابات میان دوره ای که برای انتخاب سناتور آذربایجان از طرف حزب مردم مأموریت داشتم با یک

راننده ای میرفتم بناب حوزه انتخابیه خودم وسط راه خواستم سر صحبتی باز کنم و با اصطلاح هم تجارت باشد و هم زیارت يك رأی این آقای راننده را هم در اختیار بگیرم صحبت از اینجا و آنجا آوردم گفتم خوب شما آقای ثقة الاسلامی کاندیدای حزب مردم را می شناسید گفت نه نمی شناسم با اصطلاح تیر اول خطا رفت خواستم زمینه سازی کنم راجع به خصوصیات اخلاقی و فضائلش حرفی بزنم گفت ولی آقای دکتر مجیر مولوی را می شناسم دکتر مجیر مولوی کاندیدای حزب ایران نوین است منم بهش اعتقاد دارم با شرف است خوب بنده دیدم بایست بکلی آب پلک را روی دستم بریزم مایوس شدم هم او را نمیشناسم هم کاندیدای رقیبش را خوبی میشناسد بعد از چند لحظه گفتم من بدکتر مولوی اعتقاد دارم این آدم کسی است که من وقتی از همه جاما بوس شدم این شخص آمد بمن کفاش ده هزار تومان قرض داد آقایان نمایندگان این واقعیتی است دوره صحنه سازی گذشته است آنها تیکه می آید حرف میزنند باید آنچه را در دل دارند بیان کنند گفت این مرده هزار تومان بمن داد تا من چند ماهی دکان کفاشی را که داشتم و قرار بود به ثمن بخش بفروشم و از پول آن بمعالجه بجهام که مرضی غیر عادی گرفته بود پردازم تادر فرصت مناسب این مغازه را که پاکباز شده بودم و بعداً بکس دیگری بفروشم و اکنون برانندگی مشغولم او قبل از اینکار ده هزار تومان بمن کمک کرد او يك دکتر است ، استاد دانشگاه است و من يك کفاش ، خوب اینجا بنده اصلالزومی ندیدم حرفم را ادامه بدهم اما يك حرف دیگری گفت این کارگر ساده و عادی و پاکدل گفت در انتخابیات بکاندیدای حزب مردم رأی خواهم داد راستش اینکه بدم آمد تو دلم گفتم ای مرد با این مقدمه با این احسانی که این شخص بشما کرده فقط از این لحاظ که چند ساعتی با من هستی و ساعتی ده دوازده تومان از من مزد میگیری برای خوش آمد من این را میگوئی ولی جمله ای گفت که مرا نکان داد جناب آقای نخست وزیر اگر من یاد دولت شما مخالفت میکنم میخواهم بگویم با آن راننده هم احساسم گفت میدانی چرا بکاندیدای شمارا میدهم برای اینکه اگر این توفیق بنام دکتر مجیر مولوی تمام میشد باو رأی میدادم ولی این بحساب دولت و اکثریت تمام میشود دولت و حزبی که سبب شدنش ماه تمام

بجهام را مثل گربه که بجهاش را بدندان میگیرد سرگردان از این طرف بآنطرف از این بیمارستان بآن بیمارستان و از این دکتربان دکتربدم معالجه نشد تمام سرمایه ام از دست رفت و رسید بجائیکه الان رانندگی میکنم (يك نفر از نمایندگان - بدولت چه مربوط است) بدولت مربوط نیست که يك کارگر وقتی که بجهاش مریض شد باید مریضخانه ای باشد و بیجه بیمارش رسیدگی کند ممکن است مشکلات اداری و دادگستری را یاد آور بشوم که او را بی سرو سامان کرده و مجبور برانندگی کرده او همه این بدبختیها را با من در میان گذاشت گفت اگر میخواهم امروز بکاندیدای شما رأی بدهم بدلیل این است که میخواهم بشاهنشاه عرض کنم که در ملت ایران نسبت بحکومت حزبی يك نوع مخالفتی هست (عباس میرزائی - شما که گفتید او میخواسته بکاندیدای شما رأی بدهم مگر شما حزبی نیستید) منظورم حزب حاکم است (عباس میرزائی - آقا قصه ات را ادامه بده خوب است) این قصه برای جنابعالی و شاید برای کسیکه قصه تلقی می کند اشارتی از خیلی از حرفهاست (دکتر الموتی - دوره اشاره ها گذشته) ماهنوز بعضی همامان با گذشته پیوندهائی داریم و متأسفانه آثاری از آن پیوندها بر ما سنگینی می کند و ما ناچاریم که گاهی باشاره از گذشته ها یاد بشود تاریخ باز گو شود تاریخ مایه تنه است چرا گذشته ها را فراموش کنیم من با آقای الموتی عزیز اعتقاد دارم هر چند وقت یکبار باید بانسل امروز از گذشته صحبت کنیم آنها تیکه ۵۰-۶۰ ساله هستند تاریخ ۵۰-۶۰ سال پیش را از دهنشان بگذرانند و به پیوند از کجا بکجا رسیده ایم بر اشاره ها گاهی آثاری مترتب است بدانند که روزی بود از ایران فقط اسمی مانده بود سلطانی مانده بود درباری و چند سلطنه و ملکی از استقلال فقط اسمی بيش نمانده بود این قلهک وزر گنده و شمیران که مستعمره بود چه خاطراتی داریم همه بدانند از کجا بکجا رسیده ایم چرا کم حوصله شده اید چرا تاریخ را ورق نمی زنید چرا گذشته را فراموش کرده اید يك خرده بیائیم اینطرف باز یادمان بیاد که درسی سال پیش چه وضعی داشتیم یادمان بیاد که برای ما دولت تحمیل میکردند بر ما وزیر اجنبی تحمیل میکردند این بیان شاهنشاه است یادمان بیاد که برای ما قرارداد می آوردند و امضاء

می خواستند تا يك مشت اجنبی و مزدور بنام سرباز ایران شناخته شوند یادتان بیاد که آن روز نه از ایران نوین خبری بود و نه از سینه چاکان این حزب آن روز فقط يك فرد میگفت دستم بریده باد اگر این سند را امضاء بکنم (احسن) یادتان بیاد گذشته را تکرار کردن نه بقصد تملق گفتن نه بقصد انحراف بعضی مسائل بلکه بقصد تنبه آن طبقه جوان که الان درسی سالگی هستند و بعضی از آنان دیر آمده اند و حتی می خواهند در سفره آماده و حاضر آن بالا بالاها هم بنشینند یادشان بیافتد وقتی از کلمه نفت صحبت میکردیم در جلوی همین بهارستان با چه صحنه هائی روبرو میشدیم استوکس یادتان است هر یمن یادتان هست هر چیزی راجع به نفت بود بعضی ها گوششان را تیز میکردند تا ببینند ارباب چه نظری دارد بدانند از جوان و دانشگامی که امروز در چه مرحله ای از سربلندی و سرافرازی زندگی میکنیم بدانند این رهبری انقلاب و رهبرانقلاب چه حیثیت و شرفی باین ملت بخشیده است و هم اکنون بچه موقعیتی رسیده ایم که تمام روزنامه های درجه اول دنیا مطالب اساسی شان را روی بیانات و توفیقات دولت حزبی شما و شخص شاهنشاه می نویسند (احسن) چون فقط اسم دولت را آوردم احساسات شما بروز نکند بقیه مطالب را هم تأیید بفرمائید آنوقت که می گفتند این همه آوازه ها از شه بود اگر يك روز برای این بود که صله بیشتری گرفته شود امروز این ناشی از يك اعتقاد است (احسن) از گذشته اسم آوردم از مشروطه گفتیم وقایع سوم شهریور را یادمان نرود غوغای نفت سالهای ۳۲ یادتان باشد در باز گو کردن تاریخ حلالا که ما را آورد بد به حقایق و ملاحظات در دناک دیگر بر میخوریم ، چه ضرر دارد خاطره در دناک حوادث ۳۰- ۴۰- ۵۰ سال پیش را یاد آور شویم در مشروطه می بینید وقتی مستبدین مایوس شدند خودشان را عوض کردند آمدند از پاپ کاتولیک تر شدند زمام امور مشروطه دست مستبدین دیروز افتاد سوم شهریور همه ما یادمان هست ، آنها که زخم خورده بودند ، مار هائی که بخواب رفته بودند همه شان سربلند کردند ، صف آرائی کردند ، پیش آوردند حوادثی که همه ما یادمان هست ، حداقل این بخاطر همه ماست من اعتقاد این است ، وظیفه اخلاقی من اینست که یاد آور شوم در انقلاب

سفید نیز متوجه باشیم ، بیدار باشیم ، هوشیار باشیم ، که از آنها ، آنهائی که در لحظات باخت ماسک عوض میکنند بین ما پیدا نشود. اینجا دیگر تعصب نشان ندهید. همه بازنده میشویم حواستان جمع باشد این نور آن نورتان را بپاید هر کس پهلویش را بپاید که خدا نکرده ماسک عوض کرده هادر بین آنها نباشند ، از کسانی که تحقق انقلاب بر علیه او بر علیه خانواده او ، بر علیه منافع اوست در تحقق انقلاب اگر فردی خانواده ، قوم و خویش از این افراد بازنده باشند. آدم عاقل اختیارش را دست او نعهدد مواظب باشید (عباس میرزائی - شما هم در حزبان مواظب باشید) شما قبول کردید انصافتان را می ستایم و تذکرتان را بهم مسلک نام یاد آور میشوم. غفلت برای همه ما گران تمام میشود این موضوعات قابل هضم برای خیلی از ما نیست اما هر لحظه ستون ارتجاع دارد میریزد ، بعضی ها صدای آنرا صدای وحشتناک آنرا خوب درک میکنند .

یادمان هست اینان قبل از مشروطه چه عناوینی داشتند بعد از مشروطه از چه عناوینی برخوردار بودند ، بعد از سوم شهریور چه سمیائی بخود گرفتند بعد از غائله نفت چه اسم هائی بخود بستند. قبل از انقلاب سفید شاهنشاه قبل از انقلاب ۶ بهمین راجع به اصلاحات ارضی توصیه هائی فرمودند لایحه بهمین مجلس آمد در همین مجلس کسانی که تا آنروز مظهر و سمبل شاهپرستی شناخته شده بودند صف آرائی کردند ، فراموش نشدنی است ، فقط فرزندان انقلاب می فهمند عظمت این کار را کسانی می فهمند که جلد عوض کردند ، پوست انداختند ، اما چطور شده این همه توفیقات عظیم امروز نصیب ما میشود بدون اینکه مانعی در جلو باشد. برای آنکه از تمام مهره های سرسپرده تمام آنهائی که گوشه بزنگ داشتند خلع ید شد. اصالت تر انقلاب سفید شاه و مردم در این است ، دعوا سر این نبود که عایدات زارع و دهقان ۲ تومان کمتر باشد یا بیشتر باشد این نیست ، ریشه عمیق داشت انقلاب شمول عام داشت ، انقلاب مفهومی است که عاید عموم باشد ما اگر امروز انقلاب را می ستائیم برای این نیست که من اینجا راه یافتیم ، کلاس من راه یافته باشم ، دوره قبل اینجا نبود دنیا بهم نخورد ، شاید در دوره آینده هم نباشم دنیا بهم نمی خورد این نگرانی برای آنهائی است که بعد از

از امثال زنتاب فردا خواهند آمد، این يك واقعت است اگر توفیقی نصیب ما هست در همین جا هست ، ملاحظه فرمودید که این اشارات گاهی مفید است دفاع از بودجه کار آسانی است برای اینکه کیست که اینهمه زحمت‌های دولت، اینهمه اقدامات سطح مملکتی را نادیده بگیرد. ببینید چقدر آسان است من با بعضی از دوستان از وقتی که حکومت حزبی روی کار آمده این نوع مسافرتها برای اقلیت و امثال من قدغن بوده و هرگز مایل نیستم بروم و نخواهم رفت گاهی بعضی مسافرتها مطبوعاتی میکردیم قبل از این دوره بعنوان مدیر روزنامه دعوت میشدیم و می‌رفتیم وقتی برمیگشتم، بعضی از همکاران من ۳۰ و ۴۰ شماره خاطرات می‌نوشتند در حالیکه سه چهار روز بیشتر نرفته بودیم. آنوقت‌ها که اول کار مطبوعاتی بود تعجب میکردم چون ۲-۳ تا دو سه نفر ملاقات کرده بودیم، دو سه شب نشینی داشتیم بعد متوجه شدم آنهمه خاطرات دراز ناشی از دریافت يك مشت بولتن است که از سفارت ایران می‌گرفتند و يك مشت جزوه که از جای دیگری می‌گرفتند همه اینها را سرهم می‌کنند ۲۰ شماره می‌نویسند، دفاع از دولت هم خیلی آسان است از هر روزارخانه شما يك مقدار نشریه بگیرد يك مقدار اطلاعات کسب کنید همه حرفه‌ایان مستند است قابل تأیید است و تمام حرفه‌ایان مورد قبول است ، عرض کردم کار شما آسان است ، بدلیل اینکه می‌روید از آنجا می‌گیرید و می‌آید اینجا می‌گویند ، کار ما هم آسان است ماهیچ ادعای قهرمانی هم نمیکنیم من بیلدر پارلمانی پیشنهاد میکنم يك تور اقلیتی تشکیل بدهد ۶-۵ اتوبوس سوار شویم ، جناب نخست‌وزیر و جناب دبیر کل ایران نوین که نمیدانم چرا دو سه روز است زیارتش نمیکنم (یکی از نمایندگان مریض است) انشاء الله خدا شفایشان بدهد ، سلامتی ایشان را از صمیم قلب آرزو دارم ، چون برنامه برنامه حزبی است ، يك تور تشکیل بدهیم با اتوبوسی در شهر تهران و من نواقص را یکی یکی نشان میدهم ، آنقدر حرف داریم حتی جناب عباس میرزائی هم هیچکدام را منکر نمیتوانید بشوید، ملاحظه فرمودید که کار ما هم مشکل نیست از همین جا شروع میکنیم راه مایقیم از دیروز که برف شروع شده ، من از شما می‌پرسم از اکثریت می‌پرسم ، از جناب عباس میرزائی از دیروز صبح که

برف باریده تا امروز که تشریف می‌آورید در اینجا يك نفر سپور دیده‌اید که دستش پارو باشد ؟ (یکی از نمایندگان - کار ما مکانیزه است ۴ تا ماشین شب که شما خواب تشریف داشتید تیغ انداخته‌اند) یا شما حرف مرا تأیید کردید و یا چون دسته‌جمعی تکذیب کردید بنده باین نتیجه رسیدم که بنده باهلیکوپتر آمده‌ام بنده از سید خندان که آمدم با قدری تأخیر ساعت ۹ گذشته بود ، چون ماشین نداشتم دیر رسیدم ، تا اینجا یکدانه سپور ندیدم دستش پارو باشد ولی واقعا خیلی رومیخواهد آدمی مثل بنده ضعیف و نحیف در صف اقلیت بگویم من در ساعت ۹ آمدم از سید خندان باینجا يك مأمور شهرداری که برف را پارو کند نبود (با پارو زمانش گذشت باگریدر تمیز میکنند) کدام خیابان ؟ خیابان وزرا را ، من نمیدانم (جناب زنتاب فرد کارگران شهرداری از زحمتکش‌ترین افراد هستند. شب که شما خواب تشریف داشتید خیابانها را تمیز کردند) پیاده‌ها که بحساب نمی‌آیند ، پیاده‌روها را حساب میکنند) خوشحالم حرفی که زده میشود اینهمه با تأیید عمومی بخصوص تأیید نمایندگان ۵۰۰ هزار نفری تهران، تأیید نماینده ۵۰۰ هزار نفری شهر تهران را فراهم میکند ، که نوعی تشکری است از مأمورین و امتنانی است از طرف مردم شهری که ۵۰۰ هزار رأی باین نمایندگان محترم مجلس شورای ملی دادند و اینقدر بنا بر صداقت و خدمت‌گزارای خودشان میدانند ، و مدافع خودشان بهرحال بنده اگر يك يك صحبت بفرمائید آماده جواب هستم . یکبارہ موج ایجاد میشود ، راستش اینستکه جامیزنم این واقعتی است نمیدانم انتقاد چرا از زبان من تلخ است ولی از زبان هویدا آن مرد آزاده درست است چرا ؟

انتقاد چرا از زبان من تلخ است ولی از زبان این مرد آزاده صحیح است وقتی من چیزی را میگویم می‌گویند اینطور نیست ولی وقتی آقای هویدا حرف میزند قبول دارید ، در سمینار بلوچستان و سیستان من بودم البته من بلوچی نیستم ولی ایرانی هستم و می‌خواهم بمشکلات مملکت خودم وارد باشم ، در سمینار بلوچستان و سیستان نمی‌دانم کدام يك از شما بودید خیلی کم از

شما دیدم چون آن روز جانی نبود که آقای هویدا ببیند کی از ایشان تجلیل می‌کند بهرحال نبودید تا ببینید آقای هویدا چه مطالبی عنوان کردند و همین‌وزیر کشور با چه صراحت لهجه‌ای صحبت کرد و استاندار بلوچستان و سیستان هم شهری من میدانید چه حرفی زد ، استاندار جمله‌ای نزدیک باین گفت هم مسلک عزیز اینجا که می‌گویند درست است اما ما که می‌رویم آنجا هر چه بمرکز می‌نویسیم جواب نمیرسد و برداشت‌های ما باهم نمی‌خواند ، این حرف استاندار بود این دیگر تمیز کردن راه سید خندان نیست حرفهائی که استاندار در سمینار اخیر گفت آقای هویدا ، می‌گویند حرف حرف می‌آورد بجان عزیز خودتان به آن تعصب حزبیان به آن شوق و جزبه‌تان همین جناب هویدا در يك مورد راجع به حوزه انتخابیه‌ام از ایشان خواهشی کرده بودم او امری صادر کردند چون من هراز گاهی مزاحم ایشان میشوم ، و من که در حوزه حزبی نیستم باید تلفن کنم آیا ایشان مسافرت باشند یا نباشند ، بهرحال تقاضای وقتی کردم و ایشان با آن سعه صدر همیشگی‌شان پذیرفتند وقتی برای بار دوم مطلب را یاد آوردم بقدری از کوره در رفتند و متأثر شدند که من در آن لحظه بایک سبیل وطن پرستی و ایران سوزی ، (یکی از نمایندگان - ایران سوزی یعنی چه ؟) ایران سوزی یعنی عشق به ایران ، در سوز مطلق ایران بودن ،

الهی سینه ای ده آتش افروز

در آن سینه‌دلی وان دل همه سوز

دهسال حکومت کرد هیچ عقده شخصی ایجاد نکرد همه از قیافه دولت ناراضیند ولی هویدا رادلشان می‌خواهد ببینند این مرد انسانی است با استعداد در روانشناسی حالا این زرنگی است نمیدانم بهرحال هویدا مال این مملکت است نمیدانم دبیر کل من اینجا هست یا نه ؟ چون دیروز بودند بمن می‌گویند قرار بر این نبوده که از دولت تملق بگوئی (عباس میرزائی - از دولت هیچکس خسته نشده) آقای عباس میرزائی انصاف را فراموش نکنید مگر هیچک از این ۵۰۰ هزار نفر تهرانی در گوشان حرفی زده من به شرم حضورت تعظیم میکنم بارک الله ، جناب آقای هویدا خیلی صریح و روشن و

باین برده بگویم در مرحله‌ای نیستیم که از چهار کلمه مخالفت خوانی زنتاب یا رامید یا دیگران وحشت کنیم ما آن دوره را طی کردیم دیگر دوره‌ای نیست که حرف نزنیم تا سند به دست مخالفان بدهیم وقتی صد آمد نودم پیش اوست هزارها توفیق داریم مقداری نابسامانی هم هست کدام مملکت است که نداشته باشد از هر کجای دنیا که بخواهید من نرفته دو سه ساعت هم راجع به نواقص آنجا صحبت میکنم از روی همین کتابها سینماها و خبرهائی که شما می‌روید و برای ماتعریف میکنید . ما چیزی را تخطئه نمیکنیم يك لحظه‌ای ببینید بشود و به شجره‌ها هم فکر کنید این انقلاب است که مرا که در کنار دیوار بساط کتابفروشی پهن میکردم به مجلس آورد این شکسته نفسی نیست من کتاب می‌فروختم یعنی نورچشمی آن آقا کتاب کهنه درسی اش را می‌آورد بمن می‌فروخت و من در بساطم با یکی دوریال استفاده آنرا می‌فروختم این انقلاب است اگر نبود یقیناً ما کجا انتخابات کجا، کاندیدائی کجا، و بانخت‌وزیر صحبت کردن کجا ، می‌خواهید انقلاب را ورق بزنیم خیلی ساده است اما يك چیز را هم عرض کنم که خیلی خیلی شانس و اتفاقی و همینطوری هم اینجاره نیفتادیم با ۳۰ سال یوگرافی و پرونده و نظرسنیمان آمدیم معترضین باید بدانند که من ۱۸ سال داشتم که تفنگ بدست گرفتم افسانه و قصه پردازی نیست تفنگ بدست گرفتم و مسلحانه جنگیدیم نه زمینی داشتم و نه حالا مطالبه میکنم که در مبارزات دارائیم را از دست دادم من مدیون مملکت و رژیم و پادشاهم هستم ما آنروز در لحظات تاریک و بحرانی بودیم مملکت را می‌فهمیدیم یعنی چه استقلال و ناموس را میتوانستیم بفهمیم . امروز بودجه ما خیلی عظیم است و مسلماً این بودجه مارا بخیلی از آرزوهایمان میرساند بودجه‌مان دارد مارا فربه و چاق میکند ولی این چاقی و فربهی فقط جسمی است یا بروح هم توجهی دارد ؟ آیا این بودجه بر مینای تز ایرانی پیاده میشود یا فقط جسم مارا چاق و چله میکند . وحشت میکنیم از این حرفها بیائید ما را بصورتی نیندازید که فقط از نظر جسمی و مادیات بتوفیق بزرگ نائل کنید و درست بآن آدمهائی بمانیم که هیچکلی خیلی درشت و استخوانی و قد کشیده دارند امامتلاچهار

سرطان استخوانی هستند. ما از يك جهت داریم يك غفلت نا بخشودنی و بزرگ میکنیم غفلتی در برابر نسل فردا نماز انقلاب نماز ایرانیت باید باشد مادر برداشتی باید باشیم که خون ایرانی، خاک ایرانی، تاریخ ایرانی استخوان ایرانی برای ما ارزنده ترین چیزها باشد (دکتر نای - همین برنامه دولت است) همین تمام مادر مسائل جدی سعی کنیم تا جائیکه ممکن است وجداناً شوخی را دخالت ندهیم شما دکتر نای عزیز بیایید در این توجه دادن با من هم عقیده باشید من مخالف هستم و شما موافق هستید اما مخالفت و موافقت من و شما مثل آن قطعه شعر زیبای (زشت و زیبای) شماست که خواهش میکنم يك نسخه از آنرا بجناب هویدا نیز بدهید ما اگر زشتی ها را یاد آور میشویم برای اینست که خوبها فروتر شود اگر معایب را متذکر میشویم بدلیل تکمیل برنامه ها و برداشتهای شماست میفرمائید اشکالاتی و ایرادات و انتقاداتی نیست هست و خیلی هم هست دلیل میآورم و تصور میکنم کمی با من موافق شوید؟ در دهسال اخیر سازمان بازرسی شاهنشاهی تشکیل شد این توجه بنقص امور بود در دهسال اخیر بیانات شاهنشاه در سازمان برنامه تربیت یافتگان انقلاب باید جملات از ذهنشان بگذرد در دهسال اخیر فرمایشات اعلیحضرت شاهنشاه در مجلس سنا و در چند ماه اخیر چهار فرمان و باز هم بشمارم همین سکوت انشاءالله نشانه توجه خواهد بود. بودجه مطرح است بودجه در چهارچوب دید فقط حزب اکثریت و حزب اقلیت نیست بودجه بودجه دوره انقلاب است باید دید سی میلیون ایرانی درش مؤثر باشد از دفاتر بودجه که گفته شد زیر بلمان زدیم و احتمالاً ز هتاف فردا حتی آن را ورق هم زده يك نسخه بمطبوعات فرستادید؟ خیر حداقل یادداشت بفرمائید که دوره های آینده بفرستید چطور شده مطبوعات دفاتر بودجه يك مملکت را دریافت نکند (یک نفر از نمایندگان - فرستاده اند) فرستاده اند ز هتاف فردا نماینده مجلس مدیر روزنامه است من هیئت تحریریه دارم من دفتر دارم عرض میکنم به آنجا نرسیده.

(صدری کیوان - بدلیل صرفه جوئی برای شما فرستاده اند) آیا منطقی اکثریت این است این دلیل صرفه جوئی است اگر من در مسائلی آگاه نیستم و شما ما را در جریان

نمیگذارید ولی در مسائل صنفی و مطبوعاتی وارد هستم و عرض میکنم که این دفاتر را به مطبوعات و احزاب فرستاده اند حزب پان ایرانیست دفتر بودجه شمارا دریافت نکرده است آنهایی که روزی در اینجا بودند صادقانه و پاک آمدند و پاک رفتند و حالا هم بدون معامله گری در ایجاد غرور ملی و روح سر بازی مملکت بسیار مؤثرند دفاتر بودجه را دریافت نکرده اند ممکن است يك عده ای کج سلیقگی های سیاسی داشته باشند ولی اگر حسن نیت داشته باشند رهبر مملکت يك جمله فرمودند که در ایران آزادی هست امروز در روزنامه مردم خواندم که از موقعیت استفاده میکنم و به همسایگان خودم و جامعه مطبوعات انتشار آن را تبریک می گویم همانطور که جناب آقای هویدا مسرت خاطرشان را بمناسبت انتشار مجدد نشریه حزبی بمن فرمودند بهر حال در همین روزنامه صبح می خواندم که شاهنشاه فرمودند در ایران مکاتیب سیاسی آزاد هستند که همه نوع فعالیت داشته باشند و در ایران آزادی هست منهای آزادی در خیانت، بهر حال عرض کردم برای احزاب فرستاده نشده برای مطبوعات و دانشگاهها فرستادید حتی برای دانشگاه تهران فرستادید برای دانشکده حزبی خودتان هم فرستادید این بودجه را کسی بررسی می کند چرا میخواهید این همه زحمات این مرد را که با حالت کسالت و مریضی که معمولاً هر علاقمند به سلامتی ایشان باید توصیه کند که بروند و استراحت کنند نادیده می گیرید چرا باید این حرفهای تند بنده را بشنوند اما ایشان میدانند که این حرفها از هیچ جا آب نمیکشند بهمین خاطر است که همیشه در برخوردشان بمن محبت می کنند آن دفعه پس از ۸ ساعت و خرده ای صحبت من وقتی بایشان رسیدم گفتم من این سه صدر شما را بشما تهنیت میگویم گویانکه بعضی ها چغلی کردند من از چیزی وحشت نداشتم چون ریگی بکفش نداشتم.

تهنیت گوئید مستان را که سنگ محاسب

بردل ما آمد و این آفت از مینا گذشت

ایشان بابلند نظری تأیید می کنند قبول می کنند

بیایید مسائل را در سطح وسیع بررسی کنیم چرا مطبوعات مملکت وقتی بودجه مطرح است سر مقالاتشان را مربوط

به بودجه نمیکنند بی اعتنائی است؟ نه در بازی نگرفتن است.

(چند نفر از نمایندگان - خیلی ها نوشتند) خیر همکاران ارجمند من از اینکه ز هتاف چه گفت خبر از اینکه در کمیسیون بودجه چی بود از اینکه چه کسی نظرداد غیر از بررسی است بودجه را که ما بررسی می کنیم باید دانشگاه هم بررسی کند مطبوعات هم بررسی کند باید با صاحب نظران صحبت کنند عین دید بودجه ای همانطور که من بیسواد و عامی و رهگذر کنار دیوار آدمم و اینجا حرف میزنم بدون اینکه ادعا داشته باشم حالا بودجه را ورق میزنیم میرسیم بعنوان مثال در شیلات جنسوب شما ۸۵ میلیون و خرده ای خرج می کنید ۳ میلیون نفع میدهد ما زود متوجه میشویم که سرمایه گزاری چقدر بوده شمائی که ۸۵ میلیون خرج می کنید و ۸۸ میلیون عواید دارید و این یکی از صد و چند شرکت شماست و شما بزرگوارى نشان میدهید و برای این یکی سه میلیون عایدی را عرضه می کنید ولی آخر دریا و کشتی و ماهی و سایر تأسیسات و سرمایه گزاری دیگر را حساب کنید ببینید در کجا قابل تأمل است.

کاظم مسعودی - ۳۶ میلیون خرج و ۱۵۰ میلیون عایدی دارد.

زهتاب فرد - آنچه که من در بودجه دیدم و در یاداشتهایم هست خیلی آدم پرت و پلا گوئی نیستم خیلی کم حافظه هم نیستم چون تازه از بهار سنی بالارفته ام تازه از چهل و اند سال گذشته ام الان حافظه ام را امتحان می کنم در ردیف ۳۰۸۰ شیلات جنوب.

کاظم مسعودی - شیلات جنوب صحیح است.

زهتاب فرد - دریا دریاست ماهی هم ماهی است اصل مسأله سرمایه گزاری مطرح بود در ردیف ۳۰۸۰ شیلات جنوب نوشته است درآمد ۸۵/۸۰۰۰ میلیون هزینه ۸۲ میلیون سود ۳۸۰۰۰۰۰ تومان.

اکبر مسعودی - شیلات جنوب تازه شروع بکار کرده و خوب کار می کند.

زهتاب فرد - من فقط يك چیز انتظار دارم جوابی که میدهید جواب مملکتی بدهید جوابی بدهید که اگر

ساعت يك زده شد و جلسه پایان یافت شما پیش خدای خود و نفس خود خجل نباشید درد آور است که ما بقدری تعصب حساب شده نشان میدهیم در حالیکه يك خرده تحمل بکنید یاد ما میآید آن دفعه که صحبت کردم از يك مریضی يك نفر تك مضرابی زد و من بعد که رفتم خدای من شاهد است صد تومان احسان کردم صدقه دادم بدلیل اینکه وحشت کردم خدای نکرده یکروز آن شخص چوب بخورد این صحیح نیست بعنوان مثال اینجا گفتند برای میدان نقش جهان ۱۷ میلیون تومان خرج شده صرف نظر از اینکه بنده و هم مسلک عزیز آقای حکمت یزدی معتقدیم که باید گفته شود اگر تبریزها بگویند تبریزی که یکروز شهردوم ایران بود چرا از این بخشهای کریمانه به آنجا میدهد چه بگوئیم بعنوان مثل ۱۷ میلیون به نقش جهان داده شده آن آقای مدافع آمدند و گفتند این آثار باستانی است اگر ۱۷۰ میلیون هم نوشتند باز هم این جملات را گفته بودید ما روی ۱۷ میلیون و ۱۷۰ میلیون حرف نمیزنیم من نمیگویم این شیلات تازه تأسیس شده يك تیمسار عالیجناب در رأس آن قرار نگرفته و فعالیت نمی کند این آقای روحانی هر چه بکند به برداشت ایشان شخصاً سوء ظن ندارم و تردید بخود راه نمیدهم میگویم این يك هزینه يك درآمد است و يك دریا ۳۵۰ میلیون كيلو از این دریا می گویند میشود ماهی گرفت.

دکتر الموتی - ۳۵۰ میلیون تن؟

زهتاب فرد - اگر جنابعالی میدانید حرف بزنید اگر مثل من نمیدانید شما هم در تردید بمانید خیلی تعصب حزبی نشان ندهید ما يك مقدار حرفهای میزنیم و میرویم می نشینیم اگر تعصب حزبی نشان بدهید ما را براهی می کشانید که تصور میکنم در آن مورد نمیخواهم بگویم با زنده شما خواهید بود بعنوان مثال شرکت چوب است بنده بررسی بودجه نمیکنم من مثل پامنبری پامنبرهای قدیم میخوانم من بودجه را ورق میزنم یکی شرکت چوب است شرکت چوب اسالم نوشته همانقدر خرده ای کمتر خرج و در همین حد و چیزی کمتر درآمد و حدود ۳ میلیون تومان نفع داشته آنجا هم اشاره به سرمایه نشده به زمینی وسیع که در اختیارش هست

اشاره نشده به چوبهائی که هر کدام ۱۴۰ تومان است اشاره نشده فقط نفع ۳ میلیون نشان میدهد، اگر حرف هائی میزنیم بآن معنی نیست که هر چه میشنوید تکذیب بفرمائید بفرمائید، در حوزه های حزبی اگر حوصله نکردید مطالعه کنید بودجه را یا آن جلسه تشریف نداشتید اتفاقی متوجه شدید بروید در کمیسیون و بپرسید این زنتاب يك ریز میآید اینجا حرفهائی میزند روی همه حرفها که نمیشود خط کشید توی بعضی از حرفها شاید چیزی باشد آنجا که دیدید جواب ندارند و میمانند و سکوت می کنند و می گویند مصلحت بوده خودتان فکر کنید چه مصلحتی؟ ببینید در رأس این شرکتهای کذائی و اینظوری سود بده چه افرادی از کدام حزب هستند بودجه را اگر میآوردید در دانشگاه در مطبوعات و احزاب و در افکار عامه بهتر نبود؟ اینهمه نامه که میرسد بخوانید اغلب از کارمندان است در حالیکه خیلی از اهالی این مملکت علاقمندند نسبت به این بودجه نظرات صائب بدهند ما پیش هر کس می نشینیم باندازه يك كتاب از مسائل مملکتی حرف میزنیم بودجه را بگذارید در اختیار آنها بگذارید انتقاد کنند در مملکت يك روزنامه داشتیم آنهم تا حدی تسکین بخش بود آن روزنامه توفیق بود که حالا نیست حالا فقط اقبال عامه به مجالسی مثل کاباره شکوفه نو و کاباره هائی که برادران رسولی انتقاد می کنند جلب می شود.

مهندس صائبی: چرا تبلیغ کاباره می کنید؟

زنتاب فرد: آقایان دوره عوامفریبی گذشته است من کاباره را گفتم، ولی عرض نکردم شما تشریف می برید، کاباره در مملکت هست یا نه؟ وقتی می آیند نقل قول می کنند و میگویند فلان شومن این حرف را میزند میگویند حرف شومن را در مجلس شورای ملی نزنید اما شما پارلمان من را عرضه کنید تا مردم سراغ شومن نروند.

یکنفر از نمایندگان: روزنامه نویسی روزنامه خوبی نبود شما از اودفاع نکنید.

زنتاب فرد: من حرفهائی که میزنم جوابده حرفهای خودم هستم.

قبول میکنم اگر گاهی در عرایض من کمی ناپختگی دیده

میشود انصاف نیست که بحساب حزب گذاشته شود زنتاب فرد است که اینجا حرف میزند مسئولش خودم هستم جوابدهش خودم هستم.

دکتر نای: حزب شما هم تمام مسئولیتها را قبول می کند (خنده نمایندگان).

زنتاب فرد: برویم سر اصل مطلب من اقلیت هستم و اقلیت دیدش باید شما بررسی اش بآوردید شما فرق می کنید همانطور که اگر بجای ۱۷ میلیون تومان مینوشتید ۱۷۰ میلیون تومان برای میدان نقش جهان بخرم بمعنقداتم قسم همان احساسات را نشان میدادید که برای ۱۷ میلیون نشان میدادید بدون اینکه آنرا بررسی کنید که آیا ۱۷ میلیون تومان لازم است یا ۱۷۰ میلیون تومان؟ من هم مسائل را از دیدگاه اقلیت بررسی میکنم نه اکثریت و حاضر نیستم و به مصلحت شمانیست که ماسک بصورت بزیم و بیایم حرف بزیم میخواهم دید کلاس اقلیت کلاس مخالف را کلاس آنهائی که اکثریت قاطعشان عضو حزب من و شما نیستند و در انتخابات میان دوره های اخیر ثابت شد که از يك شهرستان پانصد هزار نفری تبریز ۲۸۰۰ رأی آوردید (یکنفر از نمایندگان - شما چقدر آوردید؟) ۱۲۰۰ رأی، بعد از ده سال خلع بدی که از ما شده بود؟

یکنفر از نمایندگان: خلع بد یعنی چه؟

مسعودی: با سوادها رأی نداده اند.

زنتاب فرد: من آذربایجانی هستم شما تحصیل کرده هستید از شهر تبریز پانصد هزار نفری من رحیم زنتاب فرد اهل تبریز متولد تبریز میگویم شما از شهر پانصد هزار نفری ۲۸۰۰ رأی آوردید این رفرا ندیم بودمی خواهید حرف بزنید بزنید تبریز شهر قهرمانها آقای مسعودی عزیز من شهر تبریز کوره ده نیست شهر تبریز ده هزار دانشگاهی دارد بفرمائید با سوادان رأی میدهند.

یکنفر از نمایندگان: اکثریت با کارگران و کشاورزان است.

زنتاب فرد: بگذارید حرفهایمان ولو باشارت ولی رهگذری رد شویم این حرفها را که میزنیم در گذشته هم زدیم کدام مقام جواب داد به حرفهای من بی اعتنائی کنید، يك ژست هائی هست برای اینکه شخص را بکوبند بی اعتنائی نشان میدهند حرفهای رحیم زنتاب فرد هیچ اما يك حرف

هائیی اینجا زده شده در اینجا منعکس شده این حرفهائی که در مطبوعات مینویسند واقعاً يك مقدار دین اخلاقی باید وجود داشته باشد این آقای هویدا که مثلا دست بنده را از فلانجا گرفته و آورده بنام همکار خودش در اداره و وزارتخانه ای مشغول کار کرده من اول صبح باید روزنامه را ببرم و بگویم قربان این روزنامه ها این مطالب را نوشته اند و اینهم جواب هایشان يك روزنامه اگر پنج بار بی ربط چیزی نوشت محاکمه اش ساده است حق نداریم افکار عامه را مشغول کنیم در این حرفها واقعیت وجود دارد چون بامناف عده ای برخورد میکند بعضی از مقامات نمیرسد این صحیح نیست که رئیس روابط عمومی هر وزارتخانه مأمور تر و خشک کردن وزیر مربوطه بشود ماشما را نیاوردیم که از صبح تا شب خوشامد گوئی کنی نیاوردیم که بگوئیم فلان مدیر روزنامه تأثیری دارد رپورتاژی بده برایشان بفرستیم ما شما را آوردیم که شما بخوانید این کیهان و آیندگان و اطلاعات، خواندنیها و غیره را ببخشید که از روزنامه های حزبی حرف میزنم.

یکنفر از نمایندگان: اراده آذربایجان.

زنتاب فرد: نه وارد معقولات نمیشوم چون داریم از پا میافتیم ۱۲ صفحه روزنامه داشتیم که به ۸ صفحه تقلیل یافته حالا میخواهم ۴ صفحه کنیم یکی نمیآید بپرسد دردت چیست.

عباس میرزائی: آقای زنتاب مجال نوشتن نداشتی کوچکش کردی.

زنتاب فرد: آخر از ردیف جلوی تان بپرسید ببینید که آنها این حرفها را تا نآید میکنند؟ شما برای این نیامدید که همینطور بنشینید و سر تکان بدهید هزار تا وظیفه دارید دوست عزیز من مملکت را نمی شود بشوخی برگزار کرد.

عباس میرزائی: حرف حسابی است شوخی نیست راجع بیودجه میگویند که بد دانشگاه نفرستادند. مملکت حزبی شده حکومت حزبی شده بودجه را همه جافر ستاده اند و حزب یعنی همه افراد و همه آن را مطالعه کرده اند و جواب شما را هم دادم که در صورت جلسه منعکس بشود.

زنتاب فرد: تعدد داشتم تا همه مذاکرات شما در صورت جلسه منعکس شود تا نموداری از دید نماینده مردم پانصد هزار رأی تهران باشد و بفرمائید بودجه فقط در چهار چوب حزب ایران نوین است و دیگر هیچ.

یکنفر از نمایندگان: در تمام احزاب بحث میشود اینهارا بفرمائید.

زنتاب فرد: مطالبی که گفتید روزنامه ها مینویسند واقع این نیست این جائی منعکس نمی شود جسوایی در سافت نمیشود شما به ببینید همه ما بابتکار و مال اندیشی و درایت شاهنشاه رهبر مملکت ما همه چیز داریم چرا درباره يك مسائل پیش پا افتاده افکار عامه بعض حرفها را میزنند چرا باید اختلاف دید پیدا کنیم افکار عامه را بعنوان مثال گفتم جناب آقای هویدا وقتی آمدند در سمینار بلوچستان و سیستان اشارتی راجع به آموزش و پرورش فرمودند اشارتی بر ندانم کاری مهندس مقاطه کار کردند میدانید چه انعکاسی پیدا کرد خدای من شاهد است قسم خوردن مکروه است وقتی مردم بیرون آمدند صدی هشتاد آدمهاییکه آنجا بودند میگفتند حیف از نخست وزیر با این همکارانشان گناه است گناه نابخشودنی بیاید هیچ نگرانی نداشته باشید اکثریت حزب حاکم دولت شخص هویدا و هیچک از وزراء نگرانی از حرفهای زنتاب ندارند این حرفها هم هست ولی بجای اینکه شما بفرمائید ما عرض میکنیم مانع آنها عرض میکنیم بلکه موجبات تحسین بیشتر شما را هم فراهم میکنیم آقای عباس میرزائی اگر ما روابط خودمان را با آقای هویدا بهم میزنیم روابط بین شما و آقای هویدا را محکمتر میکنیم پس يك احساس دین نیست بفرمائید تکرار میکنم و قبول بفرمائید نواقصی در کارها هست نواقصی که شاهنشاه رهبر انقلاب را متأثر میکند او امری صادر میفرماید، حرفهای من - صحنه سازی نیست و برای تهیه سوژه مطبوعات هم نیست برای شوخی هم نیست من خودم توی اطاق رئیس دفتر يك مدیر کل بودم يك مقدار مطالبی در کاغذ بزرگ ماشین کرده بودند بردند تو و برگرداندن منشی با عصیانیت به رئیس دفتر گفتم وزیر فرموده اند که دور و بیه ماشین کنید و کاغذها

راپاره کردند که بروند دوباره دورویه ماشین کنند اینا نیست که ما مسائلی را که امر میشود خدای نکرده باغفلت و اهمال برگزار کنیم اوامر اخیرشان درباره چهار فرمان بعضی از وزارتخانه ها را خواندید و ما هم خواندیم باکمال بی پروائی نوشتند، ما از امروز شروع کردیم چطور شروع کردید؟ یعنی تادیب و احساس مسئولیت نمیکردید؟ حداقل چرا این جمله را بکار میبرید که ما از امروز شروع کردیم یعنی چه؟ اگر اطلاع داشتید اگر سراغ داشتید اگر برداشتن غلط بود که اگر مهره هایی از طریق حزب و راههای دیگر به شما تحمیل شده بود دور میبانداختید اما هنوز که هنوز است در اجرای اوامر جز برکناری يك صاحب باغ عظیم که مقداری باغ و ثروت و ملك داشت درباره آن تبلیغات شد بنام سرکار سرهنگ معصومی ما کس دیگری را ندیدیم جز اینکه درباره آموزش و پرورش خواندیم که گفتند بعضی ها که دوهزار تومان سهم بعضی از مدارس ملی را دارند آن ها هم سهام خودشان را فروختند . آقای فرهاد مسعودی در روزنامه اطلاعات پنجشنبه ها مقالات مقیدی مینویسد در يك جمله اشارتی داشت که بعضی از صاحبان قدرت وقتی سهامشان را بی بازار عرضه کردند اثری چشمگیر در بورس گذاشت سهامی که خرید و فروش میشود وقتی که یکدفعه سهامی وارد بازار میشود طبعاً روی بازار اثر میگذارد چهار فرمان اخیر شاهنشاه و تذکرات مؤکد ایشان در اجلاس های مختلفه مؤید این است و شخص رئیس دولت هم قبول دارد . که يك آشفتنگی ها و نابسامانیها در کارها هست این را همه حس می کنند شما اگر بخواهید منکر بشوید بنده عرضی نخواهم داشت اما بهرحال هست يك چیز فقط نیست و آن این است که در این حکومت حزبی دهساله و با اصطلاح شما حکومت خدمتگزار حزبی را نشان بدهید که پرونده اش مراحل قانونی را طی کرده و با اصطلاح بروز سیاه نشانده شده باشد یادم می آید دو سال پیش آمدم چنین عبارتی اینجا عرض کردم جناب آقای وزیر دادگستری تشریف آوردند و گفتند زهتاب معتقد است که حتی در دادگستری يك پرونده رسیدگی نشده است در حالیکه روزی ۴۰۰۰ پرونده مخنومه می شود

یادم هست بعضی رسانند که من از شم قضائی ایشان انتظار بیشتری داشتم مقصود از این اشارت ، اشارت بمهره های قرار گرفته در هیئت حاکمه است ، از ارتش ماهر وقت اسم می آوریم تجلیل می کنیم یکی از افتخارات ما است که مسائل ارتشی را مسائل تمامیت و موجودیت خودمان میدانیم لذا همیشه از ارتش با تجلیل اسم میبریم همین چند روز پیش خواندیم بوسیله شهرستانی ۴ تن تریاك كشف شد تیمسار صمدیان پور روزی که باین سمت منصوب شدند بنده حتی بملاحظاتی فرصت نشد به ایشان تبریکی و تهنیتی بگویم قصدم اینست که حتی در این مدت تجدید دیداری نشده ولی وقتی خواندم ۴ تن تریاك كشف کرده اند در برابر روح فداکارانه این مأمورین فداکار و خدمتگذار سر تعظیم فرود آوردم . ژاندارمری در سطح مملکت مرزداران شجاع و مبارزان مملکت هستند اگر من و شما با حرف از مملکت دفاع می کنیم آنها با جانشان از مملکت دفاع می کنند حقوق آنها با حقوق سویل ها فرق نمی کند ولی يك نظامی و يك افسر نمی تواند مثل سویل مثلا بعد از ظهر حتی برای تأمین کسری مخارج تأمین هزینه زندگی تا کسی رانی بکند و نباید بکند با آن حقوق کم مرزداران شجاع ما هستند و هر لحظه آماده دفاع از این مملکت هستند اما اگر بعنوان مثل در بناب ما يك آدم بنام کنعانی بگذارید من قلب مادر آن کنعانی را راضی کنم که دعای خیرش متوجه باعلیحضرت شهریار و دولت خدمتگزار باشد . اگر می آید در روزنامه کیهان ۴ خبر از ژاندارمری می نویسد آن رئیس ژاندارمری شهرستان بناب بر علیه او پرونده سازی می کند و او را بدادسرای نظامی میفرستد این خودش بحثی دیگر است ارتش را از وجود افراد موفق و پرونده ساز پاك كنیند حالا که بحث دادگستری پیش آمد این را بگویم که چرا همه مسئولیت ها را از دادگستری منتزع کردید شورای داوری حق محاکمه پیدا کرد اطاق اصناف حق محاکمه پیدا کرد آن روز من هم میدانستم که بچهار هزار پرونده رسیدگی می شود ولی قصدم این نبود که برای يك نخود تریاك فلان ابرقوئی پرونده تشکیل می شود . قصدم به پرونده های مربوط به هیأت حاکمه است که احتمالاً اگر هست هر چه زودتر جلوتر و مقدم تر از آن پرونده ها که از بازرسی شاهنشاهی فرستاده میشود و بعد گردد و خاك رویش می افتد خبری نمی آید . راجع به

بیمه های اجتماعی مقادیری مطالبی گفته میشود نمی گویم همه شایعات صحیح دارد و پرونده سازی در میان نیست میگویم هر حرفی که بدهن هامی افتد يك ریشه ای هم دارد قبول دارم سابقه دارد مغرضین خیلی حرفها میزنند ولی این بآن معنی نیست که ما مدعی شویم که هیچ خطا کاری را نداریم اگر نداریم این اوامر بر چه مبنائی صادر می شود يك چیز هائی هست که می گویند آقا این جنگلها يكه ملی شد باین دلیل نبود که هکتاری ۳ تا ۸ تومان بخزانه ملت برسد این واقعیت است عزیز من آقا چرا مدافع کسانی می شوید که دانسته و ندانسته بانقلاب و بنسل و برژیم خیانت می کنند عزیزم سراغ ندارید کسانی را که بقیمت ۸ ریال زمین جنگلی را گرفت با ارائه يك پروژه و طرح دامداری و مرغداری جنگل و مرتع را فروخت متری ۷۰ ۸۰ تومان ، آقا والله بالله من بآن مازندران و گیلانی که از آنجا هراز چندی گذرم می افتد جواب ندارم بدهم چرا نمی خواهید مخالفین خود، افراد حزب مردم را اقل خلع سلاح کنید بیاید بگویند اینها داده شده این را من از شجاعت اخلاقی روحانی عزیز انتظار دارم این شجاعت را نشان داده دستور بدهند تا دوسه ماه دیگر هر کسی در مرز گیلان و مازندران یا هر جا طرح هائی که یاد شد اگر بازرسان و متخصصان شما آنها را تأیید نکردند در مازندران و گیلان از آنها خلع بد شود و لا اقل قیمت متری ۷۰ ، ۸۰ تومان خودتان بفروشید . پیشنهاد ساده ای است این چندمین بار است که این حرف را میزنیم آقای عباس میرزائی به لیدر حزب فراکسیون مردم گفتند حالا شما فرصت حرف زدن دارید و گفتند شما هر چه دل تنگت میخواهد بگو اما عزیز من اینطور نیست متأسفانه این حرفها ریشه دارد این زمینه سازی خیلی خیلی درد آور می شود

اینجاست که بهانه بدست مغرضین می دهد بهانه ای که صالحترین فرد ناچار بسکوت است حرف ندارد بزند در مقابل مغرض ، بیاید در دوره انقلاب عمل انقلابی بکنید بعنوان مثل زهتاب فرد دوره گذشته و کیل نبوده هکتار زمین خواست برای دامداری ، آنچه را که در روی کاغذ بصورت طرح داد شما بیاید ببینید چه کار کرده است مرغداری کرده دامداری کرده ، مرتع ایجاد کرده یادم رفت در دوره ۲۱ که افتخار نمایندگی مجلس شورای ملی را داشتم وزیر کشاورزی وقت آمد گفت این جنگلها ی خرابه یا خرابه جنگل (یکی از نمایندگان - مخروبه) مخروبه ، ۵۰ سال دیگر هم هیچ چیزی نمی شود اینها باید مرتع بشود و پنج سال دیگر دامداری کشور کمک خواهد کرد و الا زمین خالی و بدون درخت چه لزومی دارد درختان بی خاصیت ، اجازه بدهید درختان را ببندازیم و در مدت ۵ سال اینجاها بشود يك مرتع ، آقا باینکه گاه گاهی شمال میروند از اول مرز گیلان تا آخر مرز مازندران می بینند که این جنگلها تبدیل شده به ویلا و عشرتکده و خانه های شخصی .

رئیس - آقای زهتاب فرد فرمایشات شما ادامه دارد ؟

زهتاب فرد - بلی ، گمان مبر که بآخر رسید کار مغان ، هزار جرعه ناخورده در رنگ تارك است .

۳- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه
رئیس - با اجازه خانمها و آقایان این جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۴ بعد از ظهر امروز خواهد بود .

(جلسه ساعت يك بعد از ظهر ختم گردید)

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی